

# تحقیق

## گزارش نخستین همایش تخصصی اخراج آمریکا از منطقه

به مناسبت سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی - دی ماه ۹۹

تدوین سند جامع تخصصی اخراج آمریکا از منطقه

۶

رویداد تخصصی اخراج آمریکا از منطقه

۸

معرفی آثار برتر

۱۰



سخنرانی مهندس قاسمی

۱۶



پنل تخصصی اخراج آمریکا از منطقه

۲۴



سخنرانی دکتر اکبری

۲۰



انديشكده سياستگذاري  
اميركبير



سیلی سخت‌تر عبارت است از غلبه‌ی نرم‌افزاری بر هیمنه‌ی  
پوچ استکبار؛ این سیلی سخت به آمریکا است که باید زده  
شود. بایستی جوانان انقلابی ما و نخبگان مؤمن ما [با] همت،  
این هیمنه‌ی استکباری را بشکنند و این سیلی سخت را به آمریکا  
بزینند، این یک؛ یکی هم اخراج آمریکا از منطقه است که این  
همت ملّتها و سیاستهای مقاومت را می‌طلبد که بایستی این کار را  
انجام بدهند؛ این، سیلی سخت است

دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج  
قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی ۲۶ آذر ۹۹



## همایش و فراخوان تخصصی اخراج آمریکا از منطقه به مناسبت سالگرد **شهادت** سردار حاج قاسم سلیمانی

### فهرست

شورای سیاست‌گذاری.....	۲
مقدمه.....	۳
(۱) تدوین سند جامع تخصصی اخراج آمریکا از منطقه.....	۴
الف: بررسی راهبردهای ایالات متحده آمریکا در کشور عراق.....	۴
ب: بررسی ابعاد حضور آمریکا در کشور عراق و شناخت فرصت‌ها و تهدیدها در راستای اخراج آمریکا.....	۵
(۲) رویداد تخصصی اخراج آمریکا از منطقه.....	۶
نخستین فراخوان تخصصی اخراج آمریکا از منطقه.....	۶
داوری آثار.....	۷
آثار برتر.....	۸
گزیده آثار برتر.....	۹
نخستین همایش تخصصی اخراج آمریکا از منطقه.....	۱۳
سخنرانی مهندس رستم قاسمی.....	۱۴
سخنرانی دکتر اکبری.....	۱۸
پنل تخصصی راهبردهای اقتصادی اخراج آمریکا از منطقه.....	۲۲
سخنرانی امیر محمد مهرعلی.....	۲۳
سخنرانی دکتر حسینی.....	۲۷
سخنرانی آقای فکری.....	۳۰
سخنرانی مهندس محتشمی‌پور.....	۳۳
سخنرانی آقای انصاری.....	۳۶
اختتامیه رویداد.....	۳۹
سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین عرب.....	۳۹
سخنرانی دکتر نیکروش.....	۴۱
بازتاب رسانه‌ای همایش.....	۴۳
گزارش تصویری.....	۴۴



امین نژادمقدم  
دبیر همایش



دکتر حبیب الله ظفریان  
مدیر اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر



علیرضا صفری  
مدیرگروه سیاست خارجی اندیشکده امیرکبیر

## شورای سیاست‌گذاری



مهندس رستم قاسمی  
وزیر سابق نفت - فرمانده سابق قرارگاه خاتم الانبیاء  
دبیر سابق ستاد توسعه روابط اقتصادی ایران با عراق و سوریه

## افتتاحیه همایش



حجت الاسلام و المسلمین عرب  
ریاست بنیاد نهضت سازمان تبلیغات اسلامی



دکتر حسین اکبری  
سفیر سابق ایران در لیبی

## سخنرانان همایش



آقای علی فکری  
رئیس اداره سیاست‌ها و  
برنامه‌های اقتصادی وزارت خارجه



آقای غلامرضا انصاری  
معاون سابق و مشاور وزیر امور خارجه  
در امور دیپلماسی اقتصادی



مهندس رضا محتشمی پور  
کارشناس مسائل اقتصادی  
منطقه و قائم مقام بورس کالا



دکتر سید حمید حسینی  
عضو هیئت مدیره اتاق بازرگانی ایران  
و عراق



امیرمحمد مهرعلی  
دبیر پنل تخصصی اخراج آمریکا از منطقه

## پنل تخصصی اخراج آمریکا از منطقه



دکتر محمدجواد نیکروش  
ریاست سازمان بسیج دانشجویی

## اختتامیه رویداد

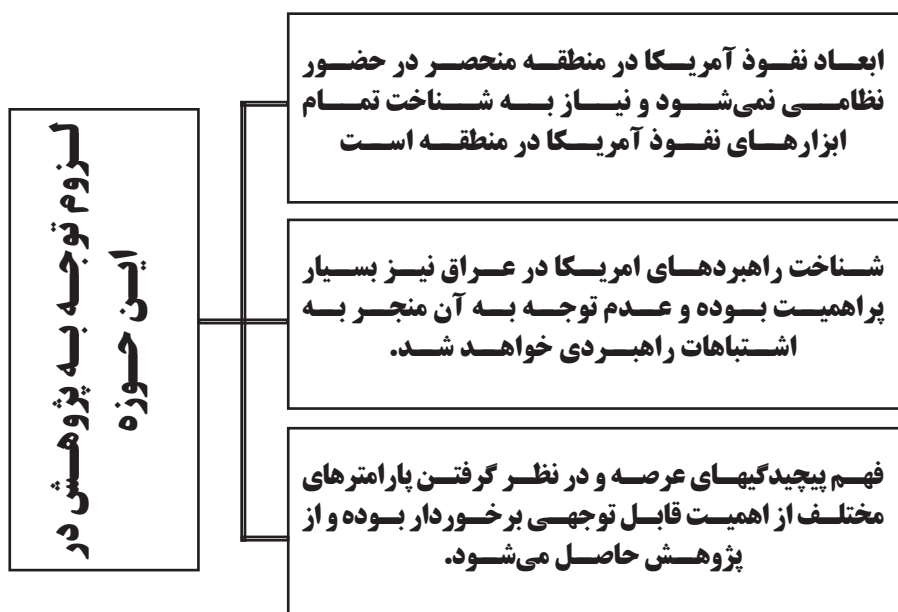
## مقدمه

اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر با هدف حل مسائل جمهوری اسلامی ایران در لایه سیاست‌گذاری و همچنین تربیت نیروی تراز انقلاب اسلامی از سال ۱۳۹۲ تاسیس شده است و تاکنون ضمن تربیت نیروهای متخصص و متعهد، موضوعات پژوهشی بسیاری را در حوزه‌های مختلف متناسب با نیاز کشور به سرانجام رسانده است. اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر در حین فعالیت‌های خود با دستگاه‌های مختلف حاکمیتی از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام، بیت رهبری، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه، وزارت نفت و شرکت‌های تابعه‌ی آن، وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، وزارت صمت و شرکت‌های ایران‌خودرو و سایپا و چندین نهاد و پژوهشگاه دیگر همکاری داشته است. این اندیشکده متشکل از ۵ گروه پژوهشی صنعت، انرژی، مبارزه با فساد، اقتصاد و سیاست خارجی می‌باشد. گروه صنعت در موضوعات مختلف پژوهشی با نهادهای مختلف کشور همکاری داشته است؛ اما به صورت ویژه می‌توان به حضور کارشناسان اندیشکده به عنوان هسته مرکزی کارشناسی طرح تحقق و تفحص مجلس دهم در صنعت خودرو و همچنین تدوین سند تحول صنعت خودرو و پیگیری آن توسط مجلس فعلی اشاره کرد. گروه انرژی عمدتاً بر حوزه دیپلماسی انرژی متمرکز بوده است و به صورت ویژه بسته‌ای تحت عنوان "تحریم نفت عبور در کوتاه مدت بی اثر کردن در بلندمدت" شامل راهکارهای کوتاه‌مدت و راهبردهای اساسی برای بی‌اثرکردن تحریم را در سال ۹۷ و پس از خروج آمریکا از برجام، تهیه و برای دستگاه‌های مربوط ارسال کرده است. این بسته سیاستی در میان مسئولین کشور بازخوردهای مثبتی داشت و دستور اقدام بر روی این راهکارها از سوی بالاترین مقامات کشوری اخذ گردید. طرح "حمایت از گزارش دهندگان فساد (سوت زنی)" که اصلی‌ترین راه کشف مفاسد در کشورهای پیشرفته است، نقطه‌ی شروع به کار گروه مبارزه با فساد بوده است. تاکنون جریان‌سازی‌های اجتماعی و رسانه‌ای مستمر و اثرگذاری در زمینه مبارزه با فساد با تمرکز بر موضوعات مطروحه انجام شده است؛ به نحوی که طرح پیشنهادی این اندیشکده با استقبال گسترده‌ای مواجه شد و مقام معظم رهبری نیز طی سخنانی در دیدار تصویری با رئیس و مسئولان عالی قضایی (۷ تیر ۹۹) به لزوم زمینه‌سازی و ایجاد زیرساخت‌های حقوقی برای "نظارت‌ها و گزارش‌های مردمی" اشاره کردند. گروه اقتصاد نیز بر موضوعاتی نظیر تسهیل فضای کسب و کار به ویژه فرایند مجوزدهی، مالیات بر دارایی مسکن و خودرو، بحران صندوق‌های بازنشستگی و تفکیک حساب‌های شخصی و تجاری به منظور کنترل سوداگری در بازارهای غیرمولد متمرکز بوده است. گروه سیاست خارجی در سال ۱۳۹۸ آغاز به فعالیت کرده است و قصد دارد با هوشمندسازی سیاست‌گذاری خارجی کشور، جمهوری اسلامی ایران را نیز در ارتباط با سایر کشورهای اسلامی و مقاومت، در راستای تحقق تمدن بزرگ اسلامی یاری نماید. در حال حاضر محور اصلی فعالیت‌های این گروه، موضوع "اخراج آمریکا از منطقه" و در گام اول «عراق» است. این مساله در سه بُعد دنبال می‌شود؛ بُعد اول شامل بررسی عراق از حیث وابستگی مختلف آن به آمریکا، بُعد دوم شامل بررسی راهبردهای آمریکا در عراق و بُعد سوم شامل بررسی بازیگران موثر عراقی در این زمینه خواهد بود.

## تدوین سند جامع تخصصی اخراج آمریکا از منطقه

یکی از بهترین منابع شناخت راهبردهای ایالات متحده، اندیشکده‌های آمریکایی هستند. برای این مهم مراکز فکری گوناگون با بررسی پیشینه آن‌ها و با مشورت اساتید و خبرگان این حوزه شناسایی شدند. سپس گزارش

را به جای دستیابی به اهداف مدنظر، از آن دور خواهد کرد. فلذا در ابتدائی‌ترین گام، پژوهش در این موضوع مورد توجه گروه سیاست خارجی اندیشکده قرار گرفت. اجمالا دلایل این توجه را می‌توان به صورت زیر بر شمرد.



هایی از این مراکز مورد بررسی قرار گرفت که راهبردهای آمریکا را منعکس می‌کرد و به درک مساله خروج آمریکا از عراق و تحلیل تصمیم آمریکا کمک می‌نمود. در این راستا حدود ۶۰ گزارش از ۱۴ اندیشکده به شرح ذیل بررسی شد.

گزارش‌های اندیشکده رند (RAND)، بنیاد دفاع از دموکراسی (FDD)، موسسه مطالعات خاورمیانه (MEI)، اندیشکده روابط خارجی (CFR)، موسسه واشنگتن (Washington Institute)، بروکینز (Brookings Institution)، موسسه هادسون (Hudson)،

در راستای اهداف فوق الذکر، پژوهشی با ابعاد زیر آغاز شد و در حال پیگیری می‌باشد. البته با توجه به بوم متفاوت هر کشور به لحاظ ساخت اجتماعی و اقتصادی، در این مرحله، پژوهش با تمرکز بر کشور عراق-با توجه به اینکه این کشور یکی از مهم‌ترین آوردگاه‌های مبارزه جبهه مقاومت و جبهه آمریکایی می‌باشد- انجام شد و پارامترهای مختلف موثر بر اخراج آمریکا از این کشور احصا شدند و در مراحل بعد مورد استفاده قرار گرفتند.

**الف: بررسی راهبردهای ایالات متحده آمریکا در کشور عراق**

پس از شهادت شهید سلیمانی و سخنرانی مقام معظم رهبری مبنی بر اخراج آمریکا از منطقه، این راهبرد تبدیل به گفتمان عمومی کشور شد؛ تحقق این راهبرد در گرو بحث و بررسی و ترجمه عملیاتی آن در لایه نخبگان، حلقه‌های میانی و مسئولین کشور است. ایالات متحده در منطقه دارای منافع مختلف و ابزار قدرت گسترده‌ای است و حضور نظامیان این کشور در منطقه با اثرگذاری این ابزار رابطه مستقیمی دارد. در واقع می‌توان گفت حضور نظامیان ایالات متحده در منطقه در تقویت ابزارهای قدرت ایالات متحده و حفظ آن‌ها موثر می‌باشد. اما باید توجه داشت که قدرت ایالات متحده در حضور نظامیان آن منحصر نیست چرا که این کشور فعالیت‌های زیادی در راستای نظام‌سازی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انجام داده و تلاش داشته تا مولفه‌های قدرت خود را گسترده نماید. فلذا همزمان با تلاش در جهت برچیدن حضور نظامیان ایالات متحده از منطقه، می‌بایست مطابق با فرمایشات رهبر معظم انقلاب در ۱۲۶م آذرماه، غلبه نرم افزاری بر ابزار نفوذ استکبار را نیز در دستور قرار داد. از طرفی بایستی ضمن بررسی ابزار نفوذ آمریکا در منطقه، نسبت به راهبردهای اساسی این کشور در منطقه نیز شناخت داشت. چراکه عدم توجه به راهبردهای آمریکا در سطح منطقه، منجر به اشتباهات راهبردی خواهد شد و هر اقدام بدون شناخت در این عرصه، کشور

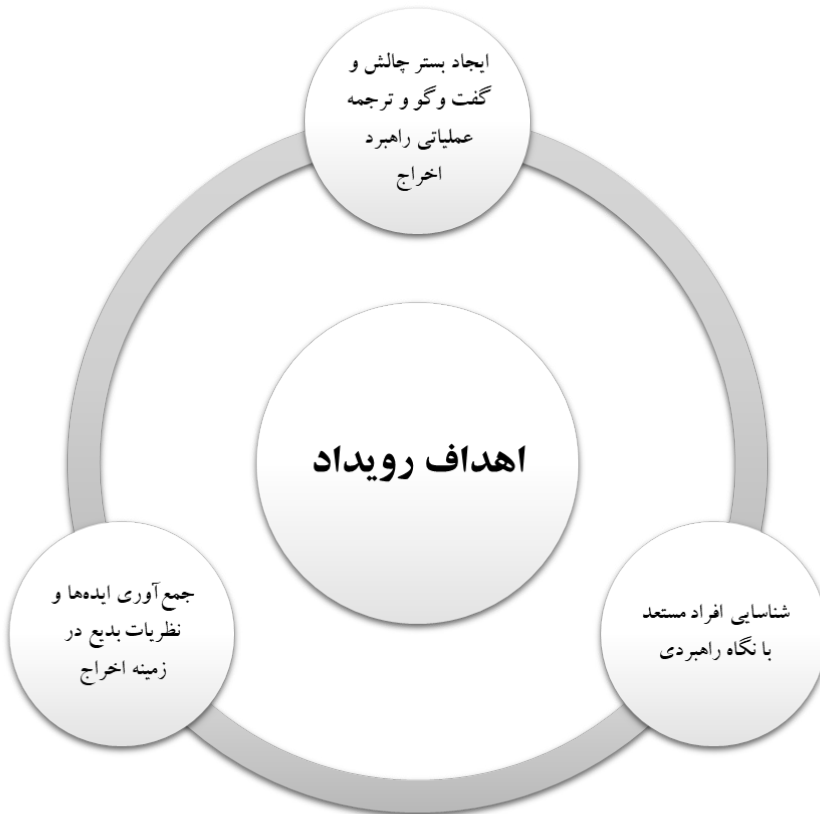
اندیشکده شورای آتلانتیک (Atlantic Council)، موسسه کیتو (CATO)، فدراسیون دانشمندان آمریکایی (FAS)، شورای سیاستگذاری خاورمیانه (MEPI)، بنیاد هریتیج (The Heritage Foundation)، موسسه امریکن انترپرایزر (AEI)، مرکز امنیت نوین آمریکا (CNAS) طی این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

ب: بررسی ابعاد حضور آمریکا در کشور عراق و شناخت فرصت‌ها و تهدیدها در راستای اخراج آمریکا

با بررسی‌های صورت گرفته ابعاد حضور ایالات متحده در سه حوزه فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و نظامی-امنیتی ترسیم گشت. همچنین جهت درک پیچیدگی‌های عرصه و شناخت ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها در راستای اخراج، وضعیت کشور عراق و نسبت بخش‌های مختلف آن با آمریکا مورد بررسی قرار گرفت. در پایان نیز جهت دقیق‌تر شدن شناخت عرصه، فرآیند مصاحبه با بیش از چهل تن از صاحب نظران این حوزه اعم از اساتید دانشگاه، مسئولین ذیربط، فعالان در عرصه میدانی و... پیگیری شد.



# رویداد تخصصی اخراج آمریکا از منطقه



پس از انجام مراحل اولیه پژوهش در این حوزه، گفتمان‌سازی حول راهبرد اخراج آمریکا و ایجاد جریان نخبگانی در کشور، با توجه به اهمیت در دستور کار قرار گرفت. از آن جا که پس از شهادت سردار سلیمانی راهبرد اخراج آمریکا تبدیل به گفتمان عمومی کشور شد؛ تحقق این راهبرد در گرو بحث و بررسی و ترجمه عملیاتی آن در لایه نخبگان، حلقه‌های میانی و مسئولین کشور است. در این راستا ابتدا فراخوانی جهت جمع آوری آثار حول موضوع اخراج آمریکا از منطقه با عنوان "خروش" منتشر و در ادامه همایشی با عنوان اخراج آمریکا از منطقه برگزار شد.

## نخستین فراخوان تخصصی اخراج آمریکا از منطقه

اندیشکده سیاستگذاری امیرکبیر برگزار می‌کند:

### اولین رویداد تخصصی اخراج آمریکا از منطقه

# خروش

محورها

نیمه پنهان

- جنایات آمریکا در منطقه
- نفوذ اقتصادی آمریکا در منطقه
- نفوذ نظامی-امنیتی آمریکا در منطقه
- راهبردهای آمریکا در منطقه

منطقه زیر ذره بین

- تحلیل جریان‌های آمریکایی و ضد آمریکایی در منطقه

خروش منطقه علیه استکبار

- نقش ظرفیت‌های مردمی در اخراج آمریکا از منطقه
- راهکارهای اقتصادی اخراج آمریکا از منطقه
- راهکارهای نظامی-امنیتی اخراج آمریکا از منطقه
- راهکارهای سیاسی اخراج آمریکا از منطقه

قالب‌ها در سه بخش

- نوشتاری: یادداشت نویسی
- گرافیکی: پوستر-عکس نوشت
- ویدئویی: موشن گرافیک - کلیپ کوتاه - فیلم کوتاه

مهلت ارسال: ۱۶ آذر ۹۹

www.counteramericacongress.com @khoroush\_ir

فراخوان این رویداد از ۱۹م آبان سال ۹۹ به مدت دو ماه جهت جمع‌آوری آثار در سه قالب تصویری، ویدئویی و نوشتاری منتشر شد. هدف از این فراخوان شناخت استعدادها و ظرفیت‌های مردمی و همچنین دغدغه‌سازی اخراج آمریکا در میان قشر جوان و مستعد و همچنین جامعه اندیشگاهی کشور بود. مجموعاً ۱۰۷ اثر در قالب‌های مختلف-به شرح ذیل- توسط دبیرخانه رویداد جمع‌آوری شد.



## داوری آثار

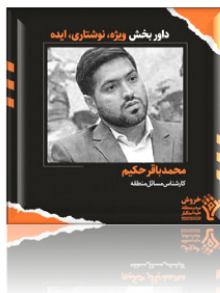


همچنین در بخش آثار گرافیکی از آقای حسین یوزباشی (مدرس دانشگاه صدا و سیما) و در بخش آثار ویدئویی از آقای سهیل کریمی (مستند ساز) جهت

گزینش آثار برتر دعوت به عمل آمد.

دکتر حبیب الله ظفریان (مدیر اندیشکده سیاستگذاری امیرکبیر)، آقای محمدباقر حکیم (کارشناس مسائل منطقه) و آقای علیرضا کمیلی (کارشناس مسائل منطقه و مدیر اتحادیه بین المللی امت واحده) دعوت به عمل آمد.

با توجه به برگزاری فراخوان در سه بخش متفاوت، جهت داوری هر بخش از صاحب نظران در آن بخش دعوت به عمل آمد. از این روی در بخش آثار نوشتاری از دکتر سید یاسر قزوینی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و کارشناس مسائل منطقه)،



## آثار برتر

از میان تمامی آثار، ۱۳ اثر به شرح ذیل توسط داوران برگزیده و در همایش، از پدیدآورندگان تقدیر به عمل آمد.

بخش	پدیدآورنده اثر	رتبه اثر	عنوان اثر	جوایز	توضیحات
نوشتاری	فاطمه مرتضوی	اول	فقدان دال مرکزی در گفتمان اخراج آمریکا از منطقه	۲/۵ میلیون تومان	طبق نظر داوران رویداد، هیچ اثری به عنوان مقاله برتر و ایده برتر ارائه راهکار اخراج آمریکا از منطقه انتخاب نشد و جوایز نقدی به نفرات برتر بخش یادداشت اضافه شد.
	حسین حبیبزاده	دوم	باز اندیشی پیرامون باورهای ساده انگارانه درباره‌ی خروج آمریکا از منطقه	۲ میلیون تومان	
	محمد حسین پروانه	دوم	طرح های اخراج آمریکا از منطقه	۲ میلیون تومان	
	میلاد ترابی	سوم	۸ برنامه اقتصادی برای انتقام سخت در پارادایم جنگ های هیبریدی	۵/۱ میلیون تومان	
	علیرضا مظفری	سوم	راهبردی نرم برای انتقام سخت	۵/۱ میلیون تومان	
گرافیکی	ابراهیم معصومی	برگزیده	افول آمریکا	۱ میلیون تومان	طبق نظر داور محترم رویداد، اثرات رتبه‌بندی نشدند و سه اثر از آثار ارسالی به عنوان برگزیدگان رویداد در نظر گرفته شدند.
	علیرضا قاسمی	برگزیده	انتقام سخت	۱ میلیون تومان	
	حامد تیموری	برگزیده	راهکارهای مقابله با نفوذ اقتصادی آمریکا در منطقه	۱ میلیون تومان	
ویدئویی	علیرضا منتظری	اول	مستند «اخراج» ساخته شده در گروه رسانه‌ای سفیر فیلم	۴ میلیون تومان	طبق نظر داور محترم رویداد به جای رتبه دوم، دو اثر شایسته‌ی رتبه‌ی سوم مشترک شدند.
	محمد جواد حسین زاده	سوم	خبری در راه است	۲ میلیون تومان	
	محمد ساور	سوم	نیمه پنهان	۲ میلیون تومان	

## گزیده آثار برتر

### اثر برتر بخش نوشتاری

فقدان دال مرکزی در گفتمان اخراج  
امریکا از منطقه

امریکا به خوبی میداند خروج تدریجی از عراق، به معنای خروج از منطقه است؛ که با این آگاهی، «گفتمان خروج» را تولید می‌کند. بنابراین انکار یا مقابله‌ای با خروج ندارد و اتفاقاً با دنبال کردن طرح جانشینی اسرائیل در منطقه، در تکاپوست تا ترک خاورمیانه، به زعامت ایران در منطقه منجر نشود. «نظام گفتمان»ی این «برنامه» نیز به طور مداوم با پردازش رسانه‌ای بازتولید می‌شود. بنابراین میتوان از یک «دال مرکزی» یا «نشانه اساسی» در کنش امریکا در منطقه نام برد. دال مرکزی، که شامل ۱. «برنامه» و ۲. پیوست رسانه‌ای یا گفتمان رسانه‌ای شده است.

در این سوی تقابل اما دنبال کردن اخبار کنش/واکنش ایران در قبال مسائل منطقه، پررنگ بودن/شدن «گفتمان اخراج» را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، ایران در فعالیت‌های رسانه‌ای خود تمایل شدیدی دارد که ترک منطقه توسط امریکا، نه یک تصمیم راهبردی از سوی امریکا (کنش/فعالیت)، بلکه «ناگزیری» امریکا (واکنش/انفعال) نشان دهد. اما جای خالی «برنامه عملیاتی» این اخراج، واضحا به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر غیر از سخنرانی‌های حاوی نشانه‌های قوی «گفتمان اخراج»، «برنامه» یا نظام عملیاتی مشخصی بازنمایی نمی‌شود.

### اثر دوم بخش نوشتاری

باز اندیشی پیرامون باورهای ساده‌انگارانه درباره‌ی خروج آمریکا از منطقه



## افول آمریکا

آمریکا رو به افول است. عوامل افول آمریکا هم مربوط به امروز و دیروز نیست که حالا یکی بخواهد بیاید علاجش کند؛ مربوط به طول تاریخ است. عامل این وضعیتی که آمریکایی‌ها دچارش شدند، عامل بلندمدت است؛ اینها در طول تاریخ وضعیتی را به وجود آوردند که نتیجه‌اش همین است و به این آسانی‌ها علاج‌شدنی نیست. این سنت الهی است. اینها محکومند به اینکه ساقط بشوند، محکومند به اینکه افول کنند. زایل بشوند از صحنه‌ی قدرت جهانی.

اثر برگزیده بخش گرافیکی، پدیدآورنده: ابراهیم معصومی

صورت مسئله کمک خواهد کرد. گویی با موشک باران چند منطقه و چند مورد بیانیه خوانی و چانه زنی سیاسی و تحریک گروه‌های مقاومت و ایجاد چند کریدور اقتصادی و... علیه آمریکا، بزرگترین هژمونی مسلط تاریخ بشریت، از منطقه‌ای که میلیاردها دلار در آن خرج کرده است، فرار می‌کند.

اگر ما برای اخراج آمریکا از منطقه خارج از پارادایم نادرست به تبیین و تحلیل پیردازیم دچار استفاده از ادبیاتی از قبیل عمق راهبردی، منافع ملی، انتقام ملی، جمع شدن پایگاه‌های نظامی آمریکا از منطقه، موشک باران و کشتن آمریکایی‌ها و... عباراتی از این قبیل خواهیم بود که گرچه به ظاهر منافاتی با انتقام سخت جمهوری اسلامی ایران از آمریکا ندارد اما به شدت به تقلیل



این است انتقام سخت...

اثر برگزیده بخش گرافیکی، پدیدآورنده: علیرضا قاسمی

بدون تردید برای اخراج و مقابله با کشوری چون آمریکا از منطقه خاورمیانه که امروز تبدیل به ائتلافی از کشورهای منطقه شده است باید راه حل ها و ابزارهایی نوین یافت که بتواند در مقابل این ائتلاف ناحق نقش موثری ایفا کند و در عین حال ایران را به سوی تحقق هدف خود یاری کند. شاید در ابتدا چنین به نظر برسد که منظور از توسعه و تعمیق روابط ماحصلی جز وابستگی به این کشورها ندارد اما این برداشت ناصحیحی از این اقدام است. امروز در فضای افکار عمومی جامعه ما چنین تفکری حاکم است؛ و یکی از مباحث مهم در رسانه های بیگانه بوده و مصداق بارز این امر را می توان حول واکنش ها به برنامه ۲۵ ساله بین ایران و چین مشاهده نمود. اما با شرح و بررسی وضعیت فعلی می توان اثبات نمود نه تنها چنین برداشتی صحیح نیست، بلکه ایران به عنوان یک بازیگر مهم در منطقه خاورمیانه می تواند

قوی تر و بهتر از آن الگوی قبلی است. الگویی که اذهان مسخ شده و تسخیر شده ی برادران و خواهران مسلمانان را از کمند این اهریمن رها کند. بدین منظور راهبرد این الگوی جدید در مقابل الگوی قبلی تبشیر در مقابل تسخیر است. در واقع راهبرد تبشیر را باید در ذیل مفهوم طرح جامع انبیاء برای زندگی بشری فهم نمود در رویکرد تبشیری خودآگاهی انسان و اراده ی او برای تغییر وضع موجود و حرکت از بردگی به آزادی، به عنوان مرکزی ترین مفهوم مورد اتکا قرار میگیرد در این روش باورها نه از طریق روایت سازی های کاذب بلکه با تعقل و تجربه ی زیسته به دست می آید.

#### اثر دوم بخش نوشتاری

طرح های راهبردی اخراج آمریکا از منطقه:  
الف- توسعه و تعمیق روابط ایران با کشورهای شرق آسیا نظیر چین و هند

صورت مسئله ی اصلی، مواجهه ی تمدنی ما با استکبار جهانی است مواجهه ی طرح انسان نبوی با انسان اموی است. ایده ی آمریکای ابرقدرت از قویترین گفتمان های منطقه ی خاورمیانه می باشد و حتی اگر ما موفق شویم پایگاه های نظامی و سفارت خانه های آمریکایی ها را با فشارهای سیاسی و امنیتی از میان برداریم باز آمریکا در متن زندگی مردم و نخبگان ملت های منطقه حضوری پررنگ خواهد داشت. طرح آمریکا برای مسلمانان این منطقه طرح اسلام اموی است که نماد بارز این سیاست ورزی عربستان سعودی و امارات متحده ی عربی هستند. هنوز آمریکا در کشورهای منطقه حتی کشور خودمان کدخدا و قدرتمند ترین کشور دنیاست. وقتی این الگوی ذهنی در اذهان ملت های منطقه یکی از گفتمان های مهم و حتی مسلط تلقی می شود.

اولین و مهم ترین قدم، ارائه ی یک آلترناتیو



## ملت پیروز

ملت ایران، با تجربه‌ی چهل ساله خود، در مقاومت و ایستادگی پایدار است. ما این را امتحان کرده‌ایم؛ در مقابل دشمن، عقب‌نشینی مشوق دشمن است و ایستادگی موجب عقب‌رفت دشمن است... هر جا ملت‌ها حرکت کنند، ایستادگی کنند، صبر و استقامت نشان بدهند پیروزی قطعی است.

رهبرانقلاب

اثر برگزیده بخش گرافیکی، پدیدآورنده: حامد تیموری

از این نقش خود برای ترغیب این کشورها برای همراهی استفاده کند. این همراهی می‌تواند در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و حتی فرهنگی و مذهبی باشد.

ب- جهاد در حوزه صادرات

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حوزه اقتصاد هیچ بن بست‌ی وجود ندارد؛ به این معنی که کاهش یا افزایش ارزش پول ملی سبب محدودیت نمی‌شود و می‌توان در تمام شرایط مختلف با به کارگیری شیوه‌های صحیح در مدیریت و وضعیت را به نفع رشد اقتصادی، هدایت کرد. مشاهده می‌کنیم که ارزش پول ملی به شدت کاهش یافته است اما این خود می‌تواند سبب و علتی برای پیشرفت و تولید باشد. در دوران طلایی پیشرفت ژاپن، دو سیاست «توسعه‌ی صادرات» و «جایگزینی واردات» نقش مهمی در تقویت تولید این کشور ایفا نمود.

## اثر سوم بخش نوشتاری

راهبردی نرم برای انتقام سخت

هر چند انتقام سخت می‌تواند قالب‌های مختلفی در عرصه‌های بین‌الملل اعم از نظامی، امنیتی، سیاسی و... داشته باشد ولی بدون شک یکی از مهم‌ترین اقداماتی که ضروریست با نگاهی راهبردی و بلندمدت در دستور کار قرار گیرد، توانمندسازی نهادهای اقتصادی کشورهای محور مقاومت یا به عبارت بهتر «تقویت اقتصاد محور مقاومت» است.

کشورهای محور مقاومت با ویژگی‌هایی ممتاز از جمله موقعیت ژئوپلیتیک ممتاز، نیروی انسانی بالا، تنوع سرزمینی بسیار، گستردگی مواد اولیه، صنایع تولیدی و خدماتی و بسیاری از عوامل دیگر، ظرفیت‌های بسیاری در زمینه گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف دارند که از این جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

• ترانزیت: گسترش ظرفیت مسیرهای ترانزیتی زمینی (ریلی، جاده‌ای)، دریایی

و هوایی

• انرژی: تشکیل شبکه برق یکپارچه، خط

لوله نفت و گاز منطقه‌ای، صادرات یکپارچه

فرآورده‌های پالایشی و پتروشیمی

• مسائل پولی، بانک و ارز: تشکیل نظام

مالی محور مقاومت

• کشاورزی، امنیت غذایی و کشت

فراسرزمینی

• قوانین تجاری و طراحی مدل قراردادهای

دو و چندجانبه همکاری: تشکیل بازارهای

منطقه‌ای برای تقابل با غرب

• همکاری شرکت‌های دانش‌بنیان و تبادل

خدمات فنی-مهندسی

• گسترش صنعت گردشگری

• و...

## اثر سوم بخش نوشتاری

۸ برنامه اقتصادی برای انتقام سخت در

پارادایم جنگ‌های هیبریدی

ترور ناجوانمردانه شهید سپهبد حاج قاسم

سلیمانی اثرات عدیده‌ای بر اقتصادی

جهانی گذاشت قیمت‌های طلا، نفت، ارز

و بازارهای سرمایه در سطح دنیا دچار تنش

شدند، یکی از بازنده‌ترین بازیگران در

قضایای اخیر کشورهای میزبان پایگاه‌های

آمریکایی هستند، این اتفاقات باعث شد

تا ریسک اعتباری این کشورها بالا برود،



هرکسی در یک پازل از نبرد است. در این نبرد جدید کنشگران دیگر تنها دولتی و نظامی نیستند بلکه از بازیگران غیردولتی و فردی هم استفاده می‌شود، تاکتیک دیگر به موشک باران اماکن نظامی منتهی نمی‌شود بلکه از مجموعه نامحدودی از ابزارهای مختلف استفاده می‌شود، این جنگ دیگر سلسله مراتب ندارد بلکه در یک شبکه افراد باید سعی کنند تا بخشی از شبکه به سمت اهداف مشخص قطبیده کنند.

که به این مسئله واقف هستند، ایشان گفتند: «حالا یک سیلی ای دیشب به اینها زده شد؛ این مسئله‌ی دیگری است. آنچه در مقام مقابله مهم است - این کارهای نظامی به این شکل، کفایت آن قضیه را نمی‌کند- این است که بایستی حضور فسادبرانگیز آمریکا در این منطقه - منتهی بشود؛ تمام بشود.» این بدین معنی است که انتقام سخت تنها نظامی نیست و تهاجم نظامی تنها یک بعد این جنگ است، آنچه باید همه درک کنند این است که هم اکنون

یکی از آنی ترین اثرات این مسئله این بود که قیمت سهام آرامکو در بورس عربستان به پایین تر از قیمت عرضه اولیه رسید، البته مسئله بسیار مهم این است که ایران اقدامات بعدی خود را به صورت هماهنگ شده و در پارادایم یک جنگ هیبریدی طراحی و تنظیم کند، البته در سیلی اول دیدیم که با هماهنگی همزمان میان سایبری، مجازی و حمله نظامی ابعادی از این ابتکار عمل دیده شد ولی برای تکمیل پازل این تهدید بایستی ابعاد اقتصادی نیز به این جنگ افزوده شود.

دکترین نبرد ترکیبی (هیبریدی) و انتقام سخت

پیش از پرداختن به مجموعه سیاست‌هایی که باید در عرصه اقتصادی در تقابل با آمریکا اتخاذ گردد باید با مفاهیم نوین جنگ‌ها آشنا شد، در ادبیات جنگ‌ها هم‌اکنون ما درنسل پنجم جنگ‌ها به سر می‌بریم، رهبر معظم انقلاب در سخنرانی روز چهارشنبه خود به خوبی نشان دادند



اهدای جوایز به نفرات برتر

# نخستین همایش تخصصی اخراج آمریکا از منطقه

حول موضوع راهبردهای اقتصادی اخراج آمریکا از منطقه با حضور صاحب نظران این حوزه برگزار شد.  
در ادامه به سخنرانی میهمانان این برنامه پرداخته خواهد شد.

قرارگاه خاتم)، دکتر حسین اکبری (معاون فرهنگی نیروی قدس سپاه پاسداران و سفیر سابق ایران در لیبی) به ایراد سخنرانی حول مسئله اخراج آمریکا از منطقه پرداختند. همچنین در این همایش یک پنل تخصصی

همایش تخصصی اخراج آمریکا روز چهارشنبه دهم دی ماه در محل آمفی تئاتر مرکزی دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار شد. در این همایش مهندس رستم قاسمی (وزیر اسبق نفت و فرمانده سابق



اندیشکده سیاست گذاری  
امیرکبیر برگزار می کند

## مستحق

### اولین همایش تخصصی اخراج آمریکا از منطقه

پنل تخصصی اخراج آمریکا از منطقه:



**دکتر غلامرضا انصاری**  
معاون سابق و مشاور وزیر امور خارجه  
در امور دیپلماتیسی اقتصادی



**دکتر سیده حمیده حسینی**  
عضو هیئت مدیره اتاق بازرگانی  
ایران و عراق



**مهندس رضا محتمشی پور**  
کارشناس مسائل اقتصادی منطقه  
و قائم مقام بورس کالا



**دکتر علی فکری**  
رئیس اداره سیاست ها  
و برنامه های اقتصادی وزارت خارجه

**با حضور:**



**دکتر حسین اکبری**  
سفیر سابق ایران در لیبی

**زمان:** چهارشنبه ۱۰ دی ماه - ساعت ۹ الی ۱۷

**مکان:** مجموعه آمفی تئاترهای دانشگاه امیرکبیر

جهت حضور در همایش به سایت  
[counteramericacongress.com](http://counteramericacongress.com) مراجعه کنید.

پخش زنده همایش از صفحات فروش: @khoroush\_ir

**اخراج**

ساخته شده توسط موسسه سفیر فیلم

**همراه با اولین اکران عمومی مستند**

**اهدای جوایز به برگزیدگان فراخوان فروش**



اندرگاه جریان



اندرگاه جریان



اندرگاه جریان



اندرگاه جریان



اندرگاه جریان



اندرگاه جریان



اندرگاه جریان



اندرگاه جریان



اندرگاه جریان

A portrait of Mehdi Sarsar, a man with a beard and mustache, wearing a dark jacket over a white shirt. He is speaking into a microphone at a podium. The background is dark.

## مهندس رستم قاسمی

وزیر سابق نفت  
فرمانده سابق قرارگاه خاتم الانبیاء  
دبیر سابق ستاد توسعه روابط اقتصادی ایران با عراق و سوریه



## سخنرانی مهندس رستم قاسمی

دی ماه ۹۹



سخنرانی مهندس رستم قاسمی

سال گذشته شهید سلیمانی به عنوان ستون مولفه قدرت دفاعی ایران در منطقه به شهادت رسیده و این اتفاق مهمی است به هر روی رهبر معظم انقلاب در خصوص شهید سلیمانی سنگ تمام گذاشتند و به درستی از مکتب سلیمانی نام بردند. مردم باید خاطرات ابومهدی المهندس را مطالعه کنند تا به شخصیت این مرد بزرگ پی ببرند؛ ابومهدی المهندس معتقد بود ایران پایگاه اسلام است با این وجود او سالیان درازی از عمر خود را در دفاع از ایران و انقلاب اسلامی سپری کرد با این وجود باید او را شناخت تا بفهمیم که چه خدمتی به ملت ایران و عراق در دوران دفاع مقدس کرده است.

هر کدام از فرماندهان جنگ ویژگی‌هایی داشتند؛ اما بنده با تمام وجود می‌گویم که شهید سلیمانی یک مکتب بود. با این وجود اگر صرفاً بخواهیم بگوییم که او یک فرمانده نظامی در محور مقاومت بوده شاید یک ظلم در حق شهید سلیمانی باشد. شهید سلیمانی در تمام عملیات‌های دفاع مقدس در خط مقدم بود به همین دلیل لشکر ثارالله همواره از لشکرهای موفق دفاع مقدس به شمار می‌رفت، چون این لشکر یک فرمانده منحصر بفرد داشت. فرماندهان دفاع مقدس بعد از پایان جنگ یا به دنبال تحصیل رفتند و یا مسئولیت گرفتند، ولی شهید سلیمانی مسئولیت بزرگی را برعهده گرفت و آن هم تثبیت و ثبات مرزهای شرقی کشور بود او در این دوره خدمت بزرگی به ملت ایران و جهان به خاطر مقابله با اشراک و قاچاقچیان مواد مخدر کرد.

سردار سلیمانی هیچ‌گاه از پای ننشست و به دنبال استراحت نبود به گونه‌ای که او در ۲۲ سال حضور خود

وجود برخی‌ها می‌گویند که چرا ما باید در سوریه و عراق بجنگیم. در مرکز مطالعات کیسینجر تصریح شده است که ما به جای چرخیدن در کشورهای اطراف ایران باید شعله را خاموش کنیم پس هدف اصلی آمریکا ناامنی ایران است.

حتی تروریست‌های خارجی داعش نیز که در سوریه می‌جنگیدند حرف آن‌ها این بود که ما برای کشتن ایرانی‌ها به سوریه آمده‌ایم و سوریه راه عبور آن‌هاست. شهید سلیمانی با یک اندیشه حساب شده به خارج از ایران رفت و این در حالی بود که در آن زمان ۷۰ درصد از مساحت از عراق و سوریه به دست داعش افتاده بود و ۵۰ درصد پایتخت سوریه نیز تحت اشغال داعش قرار داشت. البته در این شرایط خیلی‌ها می‌گفتند که بشار باید سوریه را ترک کند، ولی او مردانگی کرد و ماند، ولی نباید فراموش کنیم که همه این اتفاقات به پشتوانه شهید سلیمانی

در نیروی قدس سپاه در کارهای بسیار سخت و ناشدنی نقش آفرینی کرد در واقع می‌توان سردار سلیمانی را معمار محور مقاومت دانست. او توانست با یک نقشه درست و با اندیشه کشورهایی را که تحت تسلط و اشغال داعش درآمده بودند از دست این گروه تروریستی نجات دهد و شجره خبیثه داعش را از روی زمین بردارد.

روز اول شروع خدمت شهید سلیمانی با روز پایان خدمت او در نیروی قدس سپاه با هم هیچ فرقی نداشت؛ اگرچه پرکارتر هم شده بود. به گونه‌ای که ما از کار جا می‌ماندیم. مسئولان ما نیز می‌توانند به مانند شهید سلیمانی تا روز آخر در جایگاه خود خدمت کرده و احساس خستگی نکنند؛ شهید سلیمانی هیچ‌گاه در هیچ حادثه سختی خم به ابرو نیاورد. آمریکا با به کارگیری مسلمان نماهای خطرناک، داعش را خلق کرد با این وجود این گروه تروریستی به دنبال تشکیل یک حکومت جهانی بود با این



## سخنرانی مهندس رستم قاسمی

و باید به خانه خودش برگردد. برخی می‌گویند حضور آمریکا در منطقه موجب آرامش است؛ امروز آمریکایی‌ها در افغانستان حضور نظامی دارند، اما شاهدیم که هر روز زیرساخت‌های این

باید با دیپلماسی نظامی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی اقتصادی زمینه اخراج آمریکا از منطقه را فراهم کنیم

کشور در اثر اقدامات تروریستی نابود می‌شوند.

امروز مردم آزادی خواه و مردم منطقه نمی‌پذیرند که آمریکا حضور نظامی و تفکر کدخدامنشانه داشته باشد. باید با دیپلماسی نظامی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی اقتصادی زمینه اخراج آمریکا از منطقه را فراهم کنیم. فرمانده موفق آن است که قبل از جنگ به پیروزی برسد، ما قطعاً با یک دیپلماسی بازدارنده نظامی در کشور می‌توانیم

قدرت منطقه‌ای ایران را در عراق به شهادت رساند. شهید سلیمانی دو هفته قبل از شهادتش گفته بود که آرزوی من این است که در عراق به شهادت برسم و می‌خواهم به گونه‌ای شهید شوم که شرمنده امام حسین علیه السلام نشوم.

او پاداش بزرگ خود را از خدا دریافت کرد به گونه‌ای که او به دست یک جانی جهانی در عراق به شهادت رسید و دیگر اینکه آن گونه که خواست شهید شد

جریان مقاومت بعد از شهید سلیمانی متوقف نخواهد شد. آمریکایی‌ها به غلط تصور می‌کنند که بعد از ترور شهید سلیمانی محور مقاومت متوقف می‌شود، ولی آن‌ها باید بدانند که این گونه نخواهد بود و این آمریکایی‌ها هستند که باید از منطقه خارج شوند. آمریکا بیش از ۵۰۰۰ میلیارد دلار در منطقه هزینه کرده و هزاران سرباز آمریکایی نیز کشته شدند و این هزینه کمی نیست با این وجود آمریکا نمی‌تواند جنگ را در منطقه ادامه دهد

صورت گرفت. بنده زمانی که وزیر نفت بودم با پادشاه یکی از کشورهایی که آتش بیار جنگ سوریه بود جلسه‌ای داشتم با این وجود شهید سلیمانی پیش از این جلسه به من گفت که با پادشاه این کشور صحبت کنم و بگویم که چرا به درگیری‌ها در سوریه دامن می‌زند به هر روی بنده دو ساعت با پادشاه این کشور مشاجره کردم، ولی او گفت من قانع نشدم به همین دلیل از شما می‌خواهم به مقامات ایران بگویند که داعش بر سوریه تسلط می‌یابد و تا ۴۵ روز دیگر همه چیز تمام است و بشار اسد باید برود، چون آمریکا و اروپا در این زمینه توافق کرده اند. به هر روی بنده بعد از ۶ سال که مجدد به این کشور سفر کردم دیگر خبری از این فرد نبود و مقامات این کشور نیز گفتند که، چون ایران و سلیمانی نخواست داعش نتوانست بر سوریه تسلط پیدا کند. دشمن ناجوانمردانه ستون حکمرانی

به کشور عراق انجام می‌شود و آیا این منافع کمی است؟ البته نمی‌خواهم بگویم که ما باید فقط به عراق و سوریه صادرات داشته باشیم، چون ممکن است مردم این کشورها فکر کنند که ما

باید با استفاده از دیپلماسی عمومی عزت مداری را جایگزین کدخدامداری کنیم به هر روی دیپلماسی عمومی می‌تواند موجب وفاق ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شود.

می‌خواهیم ثروت آن‌ها را غارت کنیم؛ به هر روی تجارت باید دو طرفه باشد، ولی واقعیت این است امروز در عراق که نیاز به صنعت و بسیاری از موضوعات و مولفه‌های زیر ساختی دارد و با مشکلات جدی مواجه هست ما به عراق صادرات قابل توجهی داریم که نزدیک به نصف کل صادرات غیر نفتی ما را تشکیل می‌دهد. هزینه بازسازی عراق و سوریه ۴۰۰ میلیارد دلار است؛ بنابراین ایران می‌تواند نقش موثری در بازسازی این کشورها داشته باشد.

ما باید سیاست اقتصادی به هم تنیده را به کار بگیریم تا بتوانیم تکنولوژی خود را به کشورهای همسایه صادر کنیم و البته فراهم کردن این بستر نیازمند پشتیبانی دولت هاست. بخش خصوصی می‌تواند در کشورهای همسایه برای ایجاد زیرساخت‌ها نقش موثری ایفا کند، ولی این نقش آفرینی نیازمند حمایت دولت از سرمایه‌گذاران است. متأسفانه صادرات ما به کشورهای منطقه از جمله عراق صادرات پیشرفته و مدرنی نیست؛ با این وجود باید سازوکار صادرات پیشرفته را فراهم کنیم و از طرفی باید مرزها شیوه روان تری پیدا کنند.

خروج آمریکا از منطقه بشویم. امروز کشورهای منطقه به این نتیجه رسیده‌اند که حضور نظامی آمریکا موجب آرامش در منطقه نیست پس باید از این فرصت استفاده کنیم. باید با استفاده از دیپلماسی عمومی عزت‌مداری را جایگزین کدخدامداری کنیم به هر روی دیپلماسی عمومی می‌تواند موجب وفاق ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شود.

چرا باید آمریکا برای کشورهای منطقه تصمیم بگیرد؟ دیپلماسی اقتصادی گام موثری برای اخراج آمریکا از منطقه است به هر روی ما باید اقتدار اقتصادی داشته باشیم تا بتوانیم پشت میز مذاکره بنشینیم وگرنه در مذاکرات به جای اقتدار مجبوریم التماس کنیم.

برخی‌ها تصور می‌کنند که ما فقط در کشورهای دیگر هزینه کرده‌ایم، اما واقعیت این است که عراق کشور ثروتمندی است و در جریان نبرد با داعش ما حتی یک ریال نیز به این کشور کمک نکرده‌ایم و کمک ما تنها در حد کمک‌های مستشاری بوده است. ایران بسیاری از نیازمندی‌های عراق را تامین و عراقی‌ها نیز پول آن را پرداخت کردند. قطعاً اگر عراق به دست داعش و یا شخصی به نام صدام می‌افتاد ما نه تنها منفعت اقتصادی نمی‌بردیم؛

دیپلماسی اقتصادی گام موثری برای اخراج آمریکا از منطقه است به هر روی ما باید اقتدار اقتصادی داشته باشیم تا بتوانیم پشت میز مذاکره بنشینیم وگرنه در مذاکرات به جای اقتدار مجبوریم التماس کنیم

بلکه مرزهای ناامنی داشتیم که باید میلیاردها تومان برای امن کردن آن‌ها هزینه کنیم. امروز ۵۰ درصد از صادرات غیرنفتی ما

موجب خروج نظامی آمریکا از منطقه بشویم. داعش باعث کشتار و تخریب وحشتناکی در منطقه شد به طوری که ما در نشست‌هایی که بعضاً با روسای عشایر و قبایل سوریه‌ای داشتیم گوشه‌ای از این جنایات را به ما توضیح دادند که حتی امکان بازگویی آن جنایات‌ها نیز وجود ندارد. داعش با چنین تفکراتی می‌خواست بر سوریه و عراق حکومت کند اما گروه‌هایی مثل حشدالشعبی ایجاد شدند که موجب ایجاد امنیت برای مردم کشورشان شدند و در بسیاری از زمینه‌ها خدمت‌رسان مردم بودند و این تفاوت بین دو تفکر داعش و محور مقاومت را نشان می‌دهد. این در واقع همان نقشه شهید سلیمانی بود که چنین ساختارهایی را در این کشورها به جا گذاشت. ساختارهایی که امروزه مولفه قدرت آن کشورها هستند و با انسجام این مجموعه‌ها که امروز در محور مقاومت ایجاد شده‌اند و با یک دیپلماسی نظامی می‌توانیم موجب



# دکتر حسین اکبری

سفیر سابق ایران در لیبی

افغانستان و عراق را اشغال کردند و به قول خودشان محاصره را تنگ کردند. آن‌ها طرح خاورمیانه بزرگ را آوردند تا جهان اسلام با اسلام خداحافظی بکند اگر می‌خواهد دنیا امن بشود اما با مقاومتی مواجه شدند به اسم انقلاب اسلامی و یا جبهه مقاومت یا بهتر است بگوییم اندیشه و گفتمان مقاومت. البته تصورشان بر این بود که بالاخره اینقدری توانمند هستند که بتوانند این موانع را از سر راه خودشان بردارند. بنابراین یک درگیری در حوزه اندیشه و در حوزه جغرافیایی و نظامی شکل گرفت بین دو گفتمان نظام سلطه و گفتمان مقاومت که در صحنه‌های مختلف هم خودش را نشان داد.

آمریکایی‌ها آمده بودند که در عراق بمانند زیرا مهم‌ترین منطقه در جهان اسلام برای آمریکایی‌ها منطقه خلیج فارس بوده و مهم‌ترین کشور در منطقه خلیج فارس نیز عراق می‌باشد. اما به دلیل برداشت جامعه‌شناسی که از محیط عراق داشتند یک مدل رفتاری در این کشور داشتند که باعث شد طرح‌هایی که برنامه‌ریزی کرده بودند با شکست مواجه شود و نهایتاً خودشان اعتراف کردند که اشتباه کردیم. اوپاما برای آنکه در انتخابات آمریکا رای بیاورد شعارش این بود که باید از عراق خارج شویم که در سال ۲۰۱۱ نیز از عراق خارج شدند. همان موقع نیز اعلام کردند که ما ۶ هزار میلیارد در عراق هزینه کردیم بدون نتیجه و تعابیری هم به کار بردند که ما آمدیم در منطقه که بر جهان حکومت کنیم اما یک جورایی عراق از دست ما درآمده و به یک هم‌پیمان مخالف ما تبدیل شده است.

در هر صورت چون مهم‌ترین هدف آمریکا تحقق نظم نوین جهانی است و عراق از درجه اهمیت بالایی برای این کشور برخوردار است، طبیعی است وقتی از این کشور خارج می‌شوند با یک برنامه‌ای برمی‌گردند. آمریکایی‌ها داعش را ایجاد

جهان اسلام حضور پیدا کنند و مانع از شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی بشوند.

طبیعتاً در حوزه جهان اسلام هم مشکل اساسی آن‌ها جریان مقاومت بود چون خیلی از کشورهای اسلامی به نوعی یا از حیث امنیتی خودشان را تحت سلطه آمریکا می‌دانند یا از حیث اقتصادی خودشان را تحت سلطه آمریکا دانسته، معتقد هستند که بالاخره باید از آن‌ها تبعیت کنند. آن دسته از کشورها که از حیث امنیتی به آمریکا وابسته هستند

آن‌ها برای تحقق این خواسته‌شان اعتقاد داشتند که باید در منطقه خلیج فارس مستقر بشوند، با دو هدف یکی اینکه از منابع و ثروت و از نعمت‌های خدادادی که مسلمانان دارند به عنوان ابزار اعمال قدرت استفاده کنند و دوم اینکه باید در حوزه جهان اسلام حضور پیدا کنند و مانع از شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی بشوند.

مثل خیلی از کشورهای خلیج فارس برای اینکه اهداف آمریکا محقق بشود به مردم‌شان می‌گویند که باید ۴۰ درصد از امکانات و اقتصاد و توانمان را به آمریکا بدهیم تا بتوانیم آن ۶۰ درصد دیگر را حفظ کنیم؛ ما توان مقابله با آمریکا را نداریم. آن‌هایی هم که در حوزه اقتصادی وابستگی دارند به یکباره می‌بینیم مثل مصر که یک انقلاب مردمی برپا می‌شود طبق خواسته مردم ولی آمریکا با ابزار و فشار اقتصادی که دارد یک جوری وارد صحنه شده و به کلی معادله را عوض می‌کند.

آمریکایی‌ها وقتی در منطقه خلیج فارس حضور پیدا کردند، دیدند که یک جاهایی باید با شدت و با خشونت وارد بشوند فلذا

سوال مهمی که باید از زاویه دید مردم و نخبگان آمریکا به آن پاسخ داد این است که امروز اگر آمریکا برای ماندن در منطقه بخواهد تصمیم عاقلانه بگیرد باید چه کند؟ آیا آمریکا ماندنش در منطقه خاورمیانه منفعتی دارد برای مردم این کشور و دنیا یا اینکه خروجش منفعت بیشتری از ماندنش دارد؟

آمریکایی‌ها مشخصاً بعد از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی احساسشان این بود که به عنوان قدرت بلامنازع جهان باید نظم نوین جهانی را تنظیم بکنند. و تئوری‌های لازم را هم از قبل مطرح کردند، بحث پایان تاریخ، بحث نظریه هانتینگتون و نظریه‌های مختلفی که زمینه را فراهم می‌کرد برای اینکه آمریکا متصدی طراحی و اجرای نظم نوین جهانی باشد و بعد از آن هم بحث نظریه هژمون را مطرح نمودند که براساس آن در دنیا باید یک کسی قدرتمند باشد وگرنه نظم دنیا بهم می‌ریزد.

این نظریه وقتی در سال ۱۹۹۱ می‌خواست اجرا بشود اولویت یک و مهم‌ترین مانع و مشکل آمریکایی‌ها در اجرای نظم مورد نظر خودشان، که همان سلطه مطلق آمریکا بر جهان بود و فروپاشی شوروی را نیز غنیمت جنگ سرد برای خودش می‌دانست، این بود که باید وارد جهان اسلام بشود. از طرفی روسیه هم تضعیف شده بود و اعتقاد داشتند که اروپا نیز اروپای پیر هست که باید جوان شود و همچنین سایر کشورهای دنیا هم باید با ما هماهنگ شوند و در برابر قدرت آمریکا تمکین کنند. آن‌ها برای تحقق این خواسته‌شان اعتقاد داشتند که باید در منطقه خلیج فارس مستقر بشوند، با دو هدف یکی اینکه از منابع و ثروت و از نعمت‌های خدادادی که مسلمانان دارند به عنوان ابزار اعمال قدرت استفاده کنند و دوم اینکه باید در حوزه

کردند و طرحشان این بود که داعش را وارد عراق می‌کنیم و بخش‌های زیادی از عراق را می‌گیرد فلذا عراقی‌ها ناگزیر هستند دست به دامن ما بشوند و این بار ما با یک شکل جدیدی وارد عراق می‌شویم و همین کار را هم کردند. آمریکا بعد از قضایای بیداری اسلامی به ماجرای سوریه دامن زدند که بتوانند در آنجا هم حضور داشته باشند و داعش هم آمد و خیلی سریع و در فرصت زمان بسیار کوتاه یک منطقه جغرافیایی وسیعی را اشغال کرد و این در واقع دیگر پروژه اصلی آمریکا در منطقه بود. در آنجا هم دنبال یک اهدافی بودند که بتوانند انقلاب اسلامی را از سر راهشان بردارند و سایکس پیکو دورا اجرا کنند. خانم رایس وزیر خارجه وقت آمریکا در بیروت مصاحبه‌ای انجام داده و گفته بود: این خرابی‌ها و بحران‌هایی که امروز در بیروت شاهدش هستید در واقع درد زایمان تولد خاورمیانه جدید هست که خاورمیانه جدید همان خاورمیانه‌ای بود که قرار بود به ۲۰۰ کشور و واحد کوچک تقسیم کنند که عملاً دیگر این کشورها قدرت مقابله در برابر آمریکا و نظام سلطه را نداشته باشند که این طرحشان نیز در لبنان شکست خورد. آمریکایی‌ها با تصور اینکه داعش می‌تواند یک جنگ ۵۰ ساله را مدیریت کند این تفکر و دین خشن جدید را ایجاد کردند و امیدوار بودند که برای حمایت از داعش از هم پیمانان خود کمک بگیرند. آن‌ها اعتقاد داشتند وقتی داعش در جهان اسلام ریشه داشته باشد، جغرافیا داشته باشد و یک اندیشه داشته باشد و جبهه مقاومت را به چالش بکشد به طور طبیعی یک فرصتی برای تداوم حضور ما در جغرافیای جهان اسلام خواهد بود که خب این طرحشان نیز جواب نداد. عراق قبل از داعش هم پیمان آمریکا بود و خیلی علنی و رسمی روسای جمهور و رهبران‌شان این را مطرح می‌کردند، ولی

بعد از حمله داعش یک حشد الشعبی شکل گرفت که توانست علاوه بر نابودی داعش به سدی در مقابل آمریکا تبدیل شود. آمریکایی‌ها نیز مستقیماً روی حشد الشعبی متمرکز شده اند چون احساس می‌کنند اگر حشد الشعبی در عراق باشد منافع آمریکا پیش نمی‌رود. سوالی که الان مطرح هست این می‌باشد که آمریکا اصلاً استراتژی‌اش در عراق چیست و می‌خواهد چه کند؟ اگر می‌خواهد دموکراسی را حاکم کند که خب مردم عراق الان هم دارند در انتخابات شرکت می‌کنند پس چرا آمریکا در امور این کشور دخالت می‌کند. آن‌ها در هر صورت به دنبال این هستند که جریان مقاومت در عراق بیش از این هزینه بدهد.

آمریکایی‌ها تصور می‌کردند اگر سردار سلیمانی را از میان بردارند مشکل آن‌ها

آمریکایی‌ها آمده بودند که در عراق بمانند زیرا مهمترین منطقه در جهان اسلام برای آمریکایی‌ها منطقه خلیج فارس بوده و مهم‌ترین کشور در منطقه خلیج فارس نیز عراق می‌باشد. اما به دلیل برداشت جامعه‌شناسی که از محیط عراق داشتند یک مدل رفتاری در این کشور داشتند که باعث شد طرح‌هایی که برنامه ریزی کرده بودند با شکست مواجه شود و نهایتاً خودشان اعتراف کردند که اشتباه کردیم.

در منطقه حل می‌شود مثل خیلی از رهبران کاریزماتیک دنیا که وقتی حذف می‌شوند خیلی چیزها تغییر می‌کند اما دیدند که اینجا فرق می‌کند. اینجا فرهنگ ریشه و یک عقبه ای دارد، اینجا یک اصولی دارد یک مبانی‌ای دارد و

## سخنرانی دکتر اکبری

نمی‌شود با کشورهای دیگه مقایسه کرد. به هر حال فرهنگ مسلمانان یک فرهنگ عاشورایی است و منجر به این اندیشه اسلامی می‌گردد.

بعد از ترور سردار سلیمانی مجلس عراق تصمیم گرفت تا آمریکا را از عراق اخراج کند و این در حالی است که تا پیش از این آمریکا از هیچ کشوری اخراج نشده است. آمریکا ۶ هزار میلیارد دلار در عراق هزینه کرده، اما امروز جریان مقاومت به مسئولین این کشور می‌گوید که باید از عراق خارج شود و اگر خارج نشود با خشم مردم مواجه خواهد شد. در هر حال سفارت آمریکا در عراق امنیت ندارد با این وجود این کشور مستأصل شده و التماس می‌کنند تا در عراق بمانند.

آمریکایی‌ها این همه امکانات جهانی را نیز به سوریه وارد کردند تا حاشیه امنیت برای اسرائیل ایجاد کنند، اما امروز باید کاری کنند تا امنیت آمریکا تامین شود و ترامپ چندین بار اعلام کرد که باید از سوریه خارج شویم. آمریکایی‌ها تمام امکانات خود را پای کار آوردند تا یمن را



خرج آمریکایی‌ها می‌شود. بنابراین خیر و صلاح مردم آمریکا و مردم منطقه و کشورهای مقاومت در این هست که آمریکایی‌ها باید به خانه برگردند و اجازه دهند فلسطینی‌ها هم به خانه هایشان برگردند و کشورهای اسلامی در آرامش باشند.

اگر مقاومت نبود اتفاقی که می‌افتاد این بود که قطعاً یک نظام سلطه‌گری مثل آمریکا که زیاده‌خواه است و به بقیه کشورها از بالا به پایین نگاه می‌کند، همه را مجبور می‌کرد از خودش تبعیت کنند و دنیا را بهم می‌ریخت و حتی ممکن بود کار به جنگ‌های اتمی هم کشیده بشود. اگر مقاومت در مقابل آمریکا نبود با قدرت گرفتن داعش حتی کشورهای اروپایی و سایر دنیا هم ناامن می‌شدند ولی با وجود جبهه مقاومت و فرهنگ عاشورایی این اتفاق نیفتاد و به هر روی امروز امنیت دنیا مدیون رفتار جبهه مقاومت و ایثارگری شهید سلیمانی است.

از اینکه اقتدار و قدرت هژمونشان را از دست بدهند.

امسال ۷۵۰ میلیارد دلار بودجه نظامی آمریکا هست که از این مبلغ تقریباً بیش از دو سومش را باید هزینه کنند

خانم رایس وزیر خارجه وقت آمریکا در بیروت مصاحبه ای انجام داده و گفته بود: این خرابی‌ها و بحران‌هایی که امروز در بیروت شاهدش هستید در واقع درد زایمان تولد خاورمیانه جدید هست که خاورمیانه جدید همان خاورمیانه‌ای بود که قرار بود به ۲۰۰ کشور و واحد کوچک تقسیم کنند که عملاً دیگر این کشورها قدرت مقابله در برابر آمریکا و نظام سلطه را نداشته باشند که این طرحشان نیز در لبنان شکست خورد.

برای حفظ ارتش و تجهیزات نظامی در بیرون از آمریکا و این در حالی است که اگر از منطقه خارج شود این بودجه

تسلیم کنند و می‌گفتند یمن هیچ چیزی ندارد و به لحاظ زمینی، دریایی و هوایی هم محاصره کامل است و مردمش از گرسنگی و بی‌حالی دارند تلف می‌شوند ولی با مقاومت مردم این کشور امروز هم در حوزه نظامی هم در حوزه سیاسی هم در حوزه اطلاعاتی و هم در حوزه اقتصادی توانستند روی پای خودشان بایستند و به نوعی دست برتر را داشته باشند و امروز بایدن که بیاید باید فکر کند که چگونه می‌تواند عربستان را در مقابل تهدید یمن حفظ کند.

امروز خیلی از اندیشکده‌ها معتقدند افول آمریکا شروع شده و البته بین این افول که سال ۲۰۲۵ باشد یا ۲۰۳۰ اختلاف وجود دارد. امروز تحلیلگرانی مانند فوکویاما و جوزف نای نیز می‌گویند آمریکا دارد از دست می‌رود. برخی از کشورهای عربی به نیابت ماموریت‌های آمریکا را در منطقه انجام می‌دهند و این در حالی است که امروز آمریکا باید از منطقه خارج شود و نهایتاً یک قدرت منطقه‌ای در منطقه خودش باشد قبل از اینکه افول آن‌ها شروع بشود و قبل

## پنل تخصصی راهبردهای اقتصادی اخراج آمریکا از منطقه

در این پنل، دکتر سیدحمید حسینی (رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران و عراق و عضو هیئت مدیره آن)، آقای غلامرضا انصاری (معاون اقتصادی سابق وزیر خارجه مشاور اقتصادی وزیر خارجه)، آقای علی فکری (معاون سفیر چین و رئیس سابق اداره سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی وزارت خارجه) و مهندس رضا محتشمی‌پور (قائم مقام بورس کالا و کارشناس اقتصادی مسائل منطقه) به بحث و گفتگو حول راهبردهای کاهش نفوذ اقتصادی آمریکا و افزایش قدرت اقتصادی جبهه مقاومت در منطقه - علی‌الخصوص کشور عراق - پرداختند.







## امیر محمد مهر علی

دبیر پنل تخصصی اخراج آمریکا از منطقه



سخنرانی امیر محمد مهر

افراط‌گرایی عنوان می‌کردند، اما در پشت صحنه حمله نظامی آمریکا به عراق و هزینه‌های صرف شده برای آن، دلایلی از جمله تکمیل محاصره ایران و تغییر جغرافیای سیاسی منطقه، تأمین منافع اسرائیل، تسلط بر منابع نفتی عراق و استفاده ظرفیت بازار بکر عراق در حال بازسازی برای حضور گسترده شرکت‌های آمریکایی را می‌توان مشاهده نمود که حائز اهمیت بیشتری برای آمریکا بوده و فلسفه حمله این کشور به عراق در سال ۲۰۰۳ می‌باشد.

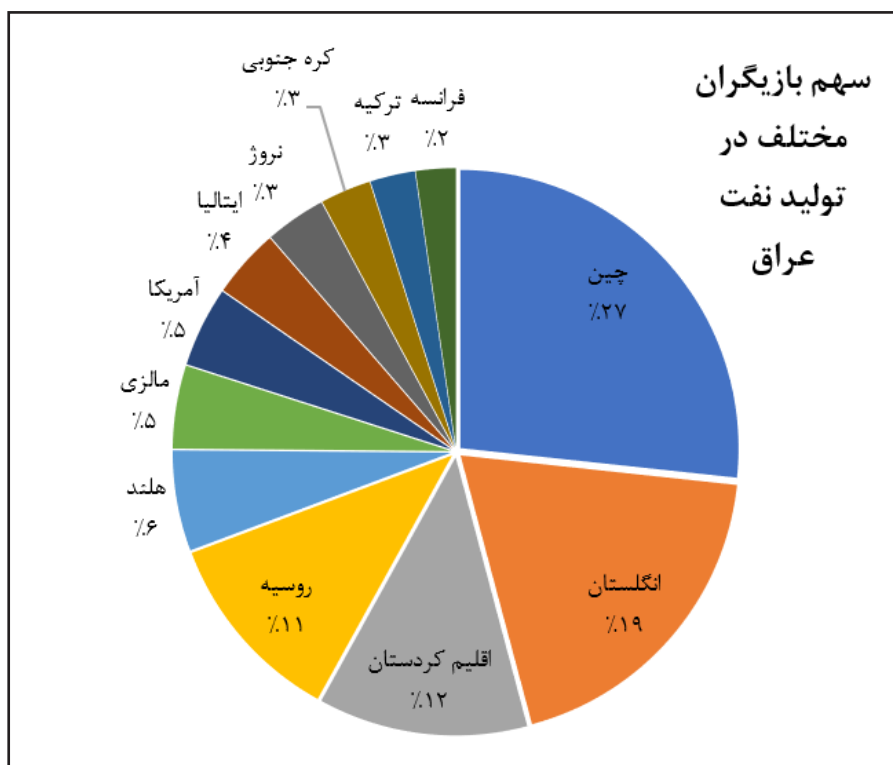
حضور آمریکا در منطقه را نباید صرفاً منحصر در پایگاه های نظامی این کشور در منطقه دانست و اخراج آمریکا از منطقه بدون توجه به ابعاد نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این کشور در منطقه غیرممکن است

پیش از شروع پنتل تخصصی همایش امیرمحمد مهرعلی عضو گروه سیاست خارجی اندیشکده سیاستگذاری امیرکبیر در مورد مطالعات پژوهشی این اندیشکده در موضوع اخراج آمریکا از منطقه اظهار داشت: حضور آمریکا در منطقه را نباید صرفاً منحصر در پایگاه‌های نظامی این کشور در منطقه دانست و اخراج آمریکا از منطقه بدون توجه به ابعاد نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این کشور در منطقه غیرممکن است. اخراج آمریکا از منطقه یک فرایند تدریجی و بلندمدت است و صرفاً با انجام چندین عملیات نظامی نمی‌توان انتظار داشت که آمریکا از منطقه اخراج گردد.

از سال ۲۰۰۳ و پس از سقوط حکومت صدام حسین توسط نیروهای آمریکایی، حضور جدی این کشور در عراق شروع شد. هرچند دولت مردان آمریکایی در ظاهر هدف از حمله به عراق را سرنگونی رژیم صدام و به اذعان خود مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی و بمب اتم ساخته شده توسط صدام و همچنین مقابله با تروریسم و

مشخصاً عامل انتفاع اقتصادی جایگاه ویژه‌ای در معادلات مسئولین وقت آمریکا برای حمله به عراق داشته است. با رشد منابع انرژی غیر فسیلی، اکتشاف ذخایر عظیم نفت و گاز در خارج از منطقه خلیج فارس و افزایش تولید داخلی نفت و گاز طبیعی در آمریکا، اهمیت راهبردی منابع انرژی خاورمیانه برای آمریکا کاهش یافته است. به گونه‌ای که میزان صادرات نفت خام عراق به آمریکا در سال‌های اخیر روند نزولی را طی کرده است (چندی پیش اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که صادرات نفت عراق به آمریکا برای دومین بار در سال ۲۰۲۰، طی یک هفته به صفر رسیده است). همینطور سهم آمریکا از کل تولید نفت عراق نیز حدود ۵ درصد است که نشان از کاهش معنادار وابستگی آمریکا به نفت

به بیان دیگر موقعیت ژئواکونومیکی و ژئوپولیتیکی عراق بود که باعث شد این کشور مورد تهاجم آمریکا قرار بگیرد و





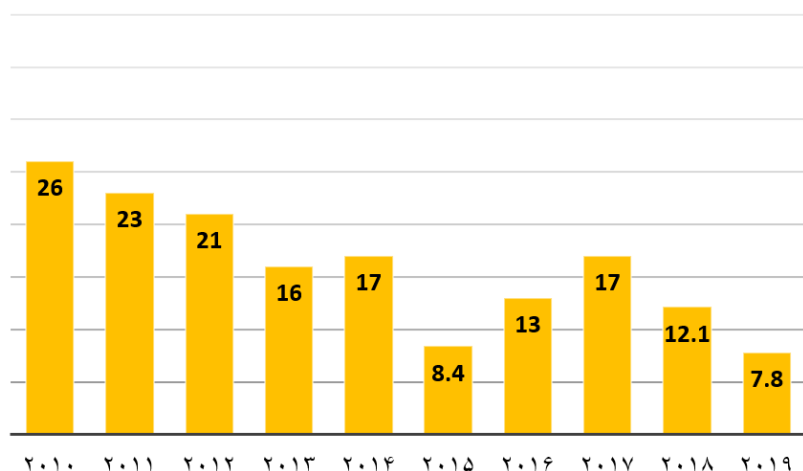
بر دولت این کشور، تاکنون بارها بهره‌برداری کرده است. به بیان دیگر هرچند آمریکا در عراق به دنبال انتفاع اقتصادی نیست، اما ابزارهایی دارد که از آن‌ها برای کنترل سیاسی دولت عراق استفاده می‌نماید که مهمترین این ابزارها حساب صندوق توسعه

از ایران است. از سال ۲۰۰۳ و پس از حمله آمریکا به عراق و در پی آن تشکیل دولت موقت ائتلاف به ریاست پل برمر، شریان‌های حیاتی اقتصاد این کشور به دست آمریکا افتاد. آمریکا از طریق دسترسی به این شریان‌ها در جهت اعمال فشار

عراق را دارد. در حال حاضر عامل انتفاع اقتصادی برای آمریکا جهت حضور در عراق کم اهمیت شده است و امروز حضور آمریکا در عراق را باید از منظر سیاسی تحلیل نمود بدین معنا که حتی حضور اقتصادی آمریکا در این کشور نیز برای تحقق اهداف سیاسی آن‌ها می‌باشد و اهدافی، چون انتفاع اقتصادی از منابع انرژی عراق و یا بازاری برای صادرات محصولات آمریکایی دیگر برای آمریکا در این کشور اولویت نیست.

مهمترین هدف آمریکا در عراق نیز کاهش نفوذ ایران در این کشور و جلوگیری از پیوستن عراق به محور مقاومت می‌باشد. آمریکا نمی‌خواهد عراق را از دست بدهد برای همین هر سیاست و تصمیمی که می‌گیرد در راستای وابسته کردن هرچه بیشتر این کشور به خود و در مقابل جداشدن آن

سهم آمریکا از صادرات نفت خام عراق (درصد)



عراق و بانک تجارت عراق هستند. براساس قطعنامه ۱۴۸۳ که در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید و طبق بند ۲۰ این قطعنامه، کلیه درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی عراق

هرچند آمریکا در عراق به دنبال انتفاع اقتصادی نیست، اما ابزارهایی دارد که از آنها برای کنترل سیاسی دولت عراق استفاده می‌نماید که مهمترین این ابزارها حساب صندوق توسعه عراق و بانک تجارت عراق هستند.

می‌بایست به حساب صندوق توسعه عراق واقع در بانک فدرال رزرو آمریکا واریز شود. دولت آمریکا نیز در جریان اتفاقات پس از ترور شهید سلیمانی از طریق همین دسترسی به حساب درآمدهای نفتی عراق این کشور را تحت فشار گذاشت به طوری که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در مصاحبه با فاکس نیوز، با بیان اینکه ۳۵ میلیارد دلار از پول عراق در بانک‌های آمریکایی وجود دارد، دولت این کشور را تهدید به تصاحب این مبلغ را کرد.

دیگر مورد اصلی حضور و نفوذ آمریکا در نظام بانکی عراق مربوط به بانک تجارت این کشور است. این بانک نیز در سال ۲۰۰۳ به منظور تسهیل واردات و صادرات مورد نیاز عراق برای بازسازی این کشور ایجاد شد. بدین منظور، دولت ائتلاف اشغالگران امتیاز اداره این بانک را به کنسرسیومی از بانک‌ها به رهبری شرکت بانکی-مالی جی‌پی مورگان آمریکا اعطا کرد. در ابتدا بنا بود این بانک از ۱۲ ماه تا نهایتاً ۴ سال به فعالیت بپردازد، اما فعالیت این بانک تا کنون ادامه داشته است و

کلیه سازوکارهای الکترونیک داخلی این بانک در اختیار شرکت جی‌پی مورگان می‌باشد. نکته قابل توجه این که پرداخت‌های مربوط به صادرات گاز و برق ایران به کشور عراق به واسطه این بانک صورت می‌گیرد.

همزمان با شهادت سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس موجی از غم و اندوه همراه با خشم ملت ایران و سایر ملت‌های مسلمان منطقه را فرا گرفت. رفته رفته انتقام سخت از عاملان این ترور تبدیل به خواسته اصلی مردم شد، انتقامی در حد و اندازه این سرداران بزرگ مقاومت. همزمان پارلمان عراق در اولین اقدام با تصویب طرحی خواستار خروج نیروهای آمریکایی از خاک کشورشان شده و در ادامه مردم این کشور نیز تظاهرات میلیونی ضد آمریکایی در این کشور برگزار کردند. اما دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا پس از مصوبه پارلمان، عراق را تهدید کرد در صورتی که خواستار خروج نظامیان آمریکایی باشد، به شدت تحریم می‌شود.

سوال اینجاست آیا اخراج نیروهای آمریکایی از عراق امکان پذیر است و ترامپ با چه پشتوانه‌ای مصوبه رسمی پارلمان عراق را بی اعتبار خوانده و این کشور را تهدید به تحریم میکند؟

عراق کشوری دارای منابع عظیم نفت و گاز است و بالای ۹۰ درصد از درآمد دولت این کشور از طریق فروش نفت بدست می‌آید. از طرفی به دلیل حجم بالای کارمندان دولتی در این کشور عمده بودجه جاری وابسته به نفت آنها صرف پرداخت حقوق و دستمزد به کارکنان می‌شود که این امر نشان دهنده وابستگی مستقیم معیشت عمده مردم به نفت می‌باشد. به همین خاطر است که تهدید به اختلال در فروش نفت این کشور تا این اندازه ترسناک بوده و می‌تواند اقتصاد آن‌ها

را فلج کند و این موضوع موجب لکنت زبان مسئولین برای درخواست خروج نظامی نیروهای آمریکایی در مواجهه با مسئولین کاخ سفید خواهد بود.

سلطه آمریکا بر گلوگاه‌های مهم اقتصادی عراق موجب شده آنها روابط اقتصادی ایران با عراق را نیز تحت‌الشعاع قرار دهند. آمریکا به خوبی می‌داند روابط اقتصادی پایدار بین دو کشور می‌تواند باعث توسعه روابط سیاسی اجتماعی دو ملت و تشکیل جبهه‌ای قدرتمند در منطقه بر علیه منافع آمریکا و استکبار جهانی گردد و حضور نیروهای آمریکایی در کشورهای منطقه را به خطر بیندازد لذا از تمامی ظرفیت‌های خود در جهت عدم شکل‌گیری چنین روابط پایداری استفاده می‌کند.

با این تفاسیر می‌توان از تجارت

می‌توان از تجارت انرژی، کاهش تسلط آمریکا بر نظام بانکی عراق، برقراری تبادلات مالی، ایجاد کریدور حمل و نقل چندوجهی بین ایران، عراق و سوریه و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تجارت پایدار بین دو کشور به عنوان مهم‌ترین راهکارهای اقتصادی و حوزه‌های کلیدی جهت اخراج آمریکا از منطقه نام برد.

انرژی، کاهش تسلط آمریکا بر نظام بانکی عراق، برقراری تبادلات مالی، ایجاد کریدور حمل و نقل چندوجهی بین ایران، عراق و سوریه و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تجارت پایدار بین دو کشور به عنوان مهم‌ترین راهکارهای اقتصادی و حوزه‌های کلیدی جهت اخراج آمریکا از منطقه نام برد.



# دکتر حمید حسینی

عضو هیئت مدیره اتاق بازرگانی ایران و عراق



سخنرانی دکتر حسینی

ها حضور دارند ما خیلی حضور نداریم. یعنی آمریکا به عنوان رقیب مادر بحث های تجاری در بازار عراق محسوب نمی شود و از این نظر خیلی با امریکایی ها درگیر نیستیم.

یکی از مشکلاتی که عراق برای کار کردن با ایران دارد این است که این کشور ذیل فصل ۶ منشور سازمان ملل است. آن ها تا سال ۱۳۹۶ به خاطر حمله به کویت ذیل فصل ۷ منشور سازمان ملل و سال ۹۶ از فصل ۷ منشور خارج شدند. در حال حاضر عراق ذیل فصل ۶ منشور سازمان ملل هست و چون طبق فصل ۶ سازمان ملل اجازه خیلی از کارها را به عراق نمی دهد، به همین دلیل اجازه فعالیت بانکی مستقیم با دنیا را ندارد در واقع عراق باید فعالیت های بانکی خود را از طریق بانک های قطر، امارات، اردن، ترکیه و برخی دیگر از کشورها انجام دهد. اینکه حساب صندوق توسعه عراق در اختیار امریکاست باز به خاطر فصل ۶ سازمان ملل که هست دست عراقی ها از این جهت یک مقدار بسته هست.

مجلس عراق به دلیل قرار داشتن این کشور در ذیل فصل ۶ منشور سازمان ملل بعد از ترور سردار سلیمانی برای اخراج آمریکا از این کشور صرفاً به صدور یک بیانیه بسنده کرد. یکی از علت هایی که عراقی ها جاسارت ندارند که بحث اخراج نیروهای امریکایی از عراق را مطرح کنند به طوری که بعد از شهادت سردار سلیمانی حتی رفتند در مجلس یک چیزی را مصوب کردند ولی عملاً این مصوبه مجلس نشد بلکه یک بیانیه شد که مصوبه قانونی و الزام آور نیست.

کویتي ها بعد از جنگ آمریکا در عراق حاضر بودند با عراق توافق کنند و عراق را از فصل شش و هفت سازمان ملل خارج بکنند ولی امریکایی ها نگذاشتند. آن ها برای اینکه در عراق نفوذ و تسلط داشته باشند به کویتی ها اجازه ندادند که عراق از فصل شش و هفت سازمان ملل خارج بشود و یک کشوری نباشد که منابع پر درآمد نفتی اش در اختیار امریکا قرار گیرد. لذا این هم کاری بود که امریکایی ها انجام دادند و از این نظر به عراق

مجازی می باشند. عراقی ها تقریباً ۴۰ میلیون تلفن هوشمند دارند و به شدت فضای مجازی، جوکرها و اینفلوئنسرها در فضای عمومی عراق اثرگذار می باشند. همچنین نرخ بیکاری جوانان عراق ۲۵ درصد بوده و مجموع نرخ بیکاری عراق نیز چیزی حدود ۱۲ درصد می باشد. و شاخص امید به زندگی در عراق ۷۴ سال می باشد.

آمریکا چهل و نهمین شریک تجاری عراق و عراق سی و ششمین شریک تجاری امریکاست؛ آمریکا حضور جدی در بازار عراق ندارد و حضور شرکت های نفتی این کشور نیز در عراق پررنگ نیست با این وجود آدم می ماند که چرا آمریکا این همه در عراق هزینه

در نقاط مختلف دنیا شاهد همکاری اقتصادی کشورها در قالب توافق نامه های همکاری هستیم، ولی به دلیل کارشکنی های آمریکا کمترین توافق نامه های همکاری در منطقه خاورمیانه منعقد شده است

کرده و هدف اصلی آن ها از حضور در عراق چه بوده است. عمده صادرات این کشور به عراق نیز شامل ماشین آلات، غلات، وسایل الکترونیکی، وسایل پزشکی، آجیل و بذر کشاورزی است. بنابراین در عرصه هایی که ما با عراق ارتباط اقتصادی داریم امریکایی ها حضور نداشته و یا در عرصه هایی که امریکایی

در نقاط مختلف دنیا شاهد همکاری اقتصادی کشورها در قالب توافق نامه های همکاری هستیم، ولی به دلیل کارشکنی های آمریکا کمترین توافق نامه های همکاری در منطقه خاورمیانه منعقد شده است. آمریکا به خاطر به خطر نیفتادن منافع خود اجازه نمی دهد تا توافق نامه های همکاری بین کشورهای منطقه شکل بگیرد. قطعاً اگر روابط بین ایران و کشورهای منطقه تقویت شود بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. هیچ مسیری آسان تر از مسیر ایران برای انتقال راحت انرژی و کالا نیست. آمریکا هر حرکت ایران را به عنوان یک چالش و تهدید نگاه می کند، اما با این وجود ما تهدید حضور آمریکا در عراق را به فرصت تبدیل کردیم و توانستیم دو پایگاه آمریکا در عراق یعنی پایگاه منافقین و داعش را از بین ببریم، ولی بالاخره نمی توانیم بگوییم آمریکا در عراق نفوذ ندارد. آمریکا در این یکسال اخیر بالاخص از طریق جوکرها، فضای مجازی و جنگ نرمی که در منطقه ایجاد کرده بیشترین فشار را بر ما وارد نموده و تغییر و تحولاتی که در عراق افتاده قطعاً خیلی به نفع ما نیست.

فضای مجازی به شدت روی مردم عراق تاثیرگذار است؛ عراق کشوری با جمعیت حدود ۴۰ میلیونی است و با نرخ رشد جمعیتی که این کشور دارد، سالی یک میلیون به جمعیتش اضافه می شود. جمعیت این کشور شدیداً جمعیت جوانی بوده که جوپای کار هستند و اهل فضای

معضل برق رنج می‌برند و در این مدت چندین بار با شرکت زیمنس آلمان قرارداد بسته و تا به مرحله اجرا می‌رسید آمریکا به دولت عراق فشار آورده و قرارداد را کنسل می‌کنند و عراق را وادار می‌کنند که با شرکت آمریکایی جنرال الکتریک قرارداد امضا کند. و جنرال الکتریک هم به تعهداتش عمل نمی‌کند. عملاً در طی این سال‌ها آمریکا هیچ اقدام جدی برای حل مشکلات و زیرساخت‌های عراق انجام نداده و با این حال وقتی که عادل عبدالمهدی برای ایجاد این زیرساخت‌ها وارد توافق با چین شد او را کنار گذاشتند. پس برای اخراج آمریکا از منطقه یکی از کارهایی که باید بشود این هست که مسیری را که عادل عبدالمهدی در توافق با چین شروع کرد، ادامه پیدا کند.

انتخابات عراق تا چند ماه دیگر برگزار می‌شود و رقابت بین گروه‌های مختلف در این کشور بالا گرفته؛ چهارمین عامل موثر در خروج آمریکا از عراق نتیجه انتخابات آتی عراق هست. در حال حاضر بین سه گروه رقابت سختی هست یک گروه محافظه کاران و همین گروه سنتی شیعه عراق هستند. یک گروه، گروه‌های اصلاح طلب مدرن‌تر در عراق هستند که حرف‌های جدی‌تری می‌زنند مثل آقای حکیم و آقای صدر و... که شاید مثل گروه بدر و مجلس اعلی محافظه کار نباشند. گروه سوم هم لیبرال‌ها مثل آقای کاظمی و جوکرها هستند. این سه گروه به شدت برای انتخابات آینده مجلس عراق تلاش می‌کنند و اینکه این مجلس آینده عراق چه شکلی پیدا کند و چقدر این گروه‌های مقاومت بتوانند در مجلس آینده نقش داشته باشند خیلی می‌تواند موثر باشد فلذا انتخابات آینده عراق خیلی برای خروج آمریکا از منطقه و عراق اثر دارد. آخرین عاملی هم که می‌تواند موثر باشد توافق ایران و آمریکا است. اگر آمریکایی‌ها به برجام و توافق پنج به علاوه یک برگردند قطعاً زمینه برای خروج آمریکا از منطقه فراهم می‌شود.

اگر می‌خواهیم آمریکایی‌ها از منطقه اخراج شوند باید تلاش کنیم تا عراق از ذیل فصل ششم سازمان ملل خارج شود این می‌تواند باعث کاهش نفوذ آمریکایی‌ها در عراق گردد. سومین راهکار موثر در خروج آمریکا از منطقه

با توجه به اینکه عراق ذیل فصل ششم سازمان ملل است عمده‌ترین مشکل ما با این کشور بر سر مسائل بانکی و تحریم است و این مشکل نیز ریشه در تلاش‌های آمریکا دارد

تقویت رابطه عراق و چین است؛ آمریکایی‌ها حضور چین در منطقه را مضر دانسته و به شدت روی ارتباط آن‌ها با کشورهای منطقه حساس هستند چون چین رقیب جدی آمریکا است و اگر دیدیم که عادل عبدالمهدی هم برکنار شد به خاطر توافقی بود که با چین انجام داد. اگر ما بتوانیم از طریق راه آهن ایران به عراق مسیر جاده ابریشم را تکمیل کنیم، نفوذ آمریکا در عراق کم می‌شود. در حال حاضر چین به گوادری وصل شده و اگر ما گوادری را به چابهار وصل کنیم و راه آهن مانیز به راه آهن عراق وصل بشود، عراق می‌تواند جزئی از جاده ابریشم شده که این موضوع خیلی برای عراق موثر خواهد بود.

حضور چین در بازار عراق هم می‌تواند به اصطلاح کمک‌کننده ساخت زیرساخت‌های

اینکه این مجلس آینده عراق چه شکلی پیدا کند و چقدر این گروه‌های مقاومت بتوانند در مجلس آینده نقش داشته باشند خیلی می‌تواند موثر باشد فلذا انتخابات آینده عراق خیلی برای خروج آمریکا از منطقه و عراق اثر دارد

عراق و هم می‌تواند نفوذ آمریکا را که سالهاست سایه افکننده بر پیشرفت و توسعه عراق کم نماید. عراقی‌ها سالهاست که از

ضربه زدند. با توجه به اینکه عراق ذیل فصل ششم سازمان ملل است عمده‌ترین مشکل ما با این کشور بر سر مسائل بانکی و تحریم است و این مشکل نیز ریشه در تلاش‌های آمریکا دارد.

ما باید نه تنها به دنبال خروج نیروهای آمریکایی از عراق بوده بلکه مداخله آمریکا را در عراق کم کنیم، چون آمریکایی‌ها می‌توانند از عراق خارج شوند ولی از راه دور به اصطلاح نفوذ کنند و برنامه هایشان را پیش ببرند. من فکر می‌کنم برای اینکه بتوانیم نفوذ و مداخله آمریکا را در منطقه و در عراق کم بکنیم یک دیدگاه افراطی این هست که ما از طریق بحث‌های امنیتی و دیپلماسی نظامی این رویکرد دنبال نماییم و یک دیدگاه دیگر هم هست که می‌گوید ما باید رها کنیم این موضوع را چون آمریکایی‌ها استراتژی اصلی‌شان رقابت با چین هست و اگر ما رهاایشان کنیم و کاری به آن‌ها نداشته باشیم آمریکایی‌ها خودشان از منطقه خواهند رفت. در حقیقت این دو سر طیف نگاه‌هایی هست که به موضوع اخراج آمریکا از منطقه وجود دارد.

اولین عاملی که بسیار مهم هست حفظ وحدت عراق و جلوگیری از تجزیه این کشور می‌باشد. آمریکایی‌ها وقتی داعش را درست کردند یکی از اهدافشان این بود که عراق را از یکپارچگی خارج کنند یعنی یک اقلیم سنی و یک اقلیم شیعه درست کنند و یکپارچگی عراق را از بین ببرند. به نظر من مهمترین کاری که سردار سلیمانی کرد حفظ یکپارچگی عراق بود. اینکه سردار سلیمانی می‌روند منطقه سنی نشین را از دست داعش آزاد می‌کند یعنی برگرداندن آن منطقه به عراق. یا اینکه ما دیدیم توطئه‌ای که در اقلیم کردستان شد تقریباً همه فکر می‌کردند که کردستان استقلالش را اعلام کرده و موضوع تمام شده ولی جلوی این موضوع گرفته شد چون این منطقه می‌توانست پایگاهی باشد برای حضور اسرائیل در منطقه و درست کردن یک اقلیم سنی که همیشه می‌توانست برای همه کشورهای منطقه مشکل ساز باشد.

# آقای علی فکری

رئیس اداره سیاستها و برنامه‌ها اقتصادی وزرات خارجه



شروع بشود یا از هند شروع بشود و به تدریج بیاید و وارد کشورهایایی که می‌توانند به عنوان متحدین یا در واقع شرکای اقتصادی این کشورهای اصلی تعریف بشوند قرار گیرد. منطقه غرب آسیا می‌تواند شریک طبیعی مناسبی برای این قدرت‌های نو ظهور باشد هم به لحاظ جغرافیایی که دارد و هم به لحاظ منابعی که در اختیار دارد.

اگر منطقه امن باشد توسعه اقتصادی برای قدرت‌های رقیب افزایش می‌یابد و از طرفی اگر منطقه خاورمیانه ناامن شود جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در این منطقه از بین می‌رود و منطقه خاورمیانه نمی‌تواند در یک رابطه برد-بردهای خود را در اختیار قدرت‌های نو ظهور قرار دهد پس آمریکا و دنباله‌هایش در منطقه یعنی هم رژیم صهیونیستی و هم برخی از کشورهای عربی و یک سری گروه‌های نیابتی، راهبرد درستی را برای ایجاد تنشج در منطقه در پیش گرفته‌اند.

با وجود تلاش‌های آمریکا برای ایجاد تنشج

رقبای نو ظهوری همچون هند، چین و روسیه را افزایش دهند. سه کشوری که در ادبیات اقتصاد بین‌المللی تحت عنوان اقتصادهای نو ظهور یا اقتصادهایی که با خیزش‌های سریع مواجه هستند شناخته می‌شوند، یعنی چین، هند و روسیه در حاشیه منطقه غرب آسیا قرار دارند و با توجه به سایر المان‌های قدرت که در اختیار دارند طبیعی است که این کشورها کاندیداهای جایگزینی آمریکادر عرصه جهانی و در حوزه قدرت جهانی باشند

اخراج آمریکا از منطقه یک سیاست راهبردی بوده و فراتر از یک برنامه سیاست خارجی است و تمام ابعاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را قاعدتا باید تحت تاثیر خودش قرار بدهد

و به دنبال این هستند که از آمریکا عبور کنند. اگر چین در عرصه اقتصاد جایگزین آمریکا شود آمریکانه تنها به اقتصاد دوم جهان تبدیل خواهد شد بلکه به سرعت افول خواهد کرد یعنی به سرعت کشورهای دیگری که به آن‌ها اقتصادهای نو ظهور می‌گویند یکی پس از دیگری آمریکا را پشت سر می‌گذارند به همین دلیل آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند تا جلوی رشد و توسعه اقتصادهای نو ظهور را بگیرند.

کشورهای منطقه می‌توانند هزینه توسعه کشورهای نو ظهور اقتصادی را کاهش دهند به همین دلیل آمریکا راهبرد ایجاد ناامنی و تنشج در منطقه را در پیش گرفته تا امنیت منطقه سلب شود. منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا و یا خاورمیانه چندین ویژگی خاص منحصر به فرد دارد. این منطقه اساسا هم جوار همین قدرت‌هایی است که از آنها اسم بردیم. وقتی که یک اقتصادی می‌خواهد رو به رشد حرکت کند و توسعه سریع داشته باشد باید بتواند زنجیره‌های ارزش را با مرکزیت خودش تعریف بکند. یعنی یک زنجیره ارزشی تعریف کند که از چین شروع بشود یا از روسیه

اخراج آمریکا از منطقه یک سیاست راهبردی بوده و فراتر از یک برنامه سیاست خارجی است و تمام ابعاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را قاعدتا باید تحت تاثیر خودش قرار بدهد.

من سعی می‌کنم بحثم را در قالب دو سوال اصلی که طبیعتا چند سوال فرعی هم در کنارش مطرح خواهد شد خدمتتان ارائه بدهم. سوال اصلی اول من این هست که چرا اصلا چنین راهبردی انتخاب شده و باید آمریکا از منطقه غرب آسیا اخراج بشود و آیا این راهبردی که ما انتخاب کردیم معنا و مفهوم اقتصادی هم دارد یعنی از بعد بحث هزینه فایده بررسی‌های لازم در این زمینه انجام شده که چنین راهبردی انتخاب شده است یا خیر؟ و سوال دوم اینکه چگونه ما می‌خواهیم به کمک ابزارهای اقتصادی این راهبرد کلان را در حوزه سیاست خارجی اجرا کنیم؟

برای پاسخ به سوال اول باید یک سوال ابتدایی‌تر را مطرح کنیم که آمریکایی‌ها در موضوع حمله به عراق دنبال چه چیزی بودند و چرا به عراق حمله کردند؟ شاید در بحث اقتصادی تصور این باشد که آمریکایی‌ها چه در حوزه انرژی چه در سایر حوزه‌ها حضورشان در حال کم‌رنگ‌تر شدن هست ولی واقعیت این هست که در بازی بین قدرت‌های جهانی صرفا کسب منافع اقتصادی به عنوان هدف کلان قدرت‌ها تعریف نمی‌شود بلکه هدف کلان دیگری که همیشه مطرح هست و جزو راهبردهای قدرت‌های بزرگ هست افزایش هزینه‌های توسعه رقبایست. اگر از این زاویه ما به موضوع حمله آمریکا به عراق و بعد از آن اتفاقاتی که در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا افتاد که آمریکایی‌ها عمدتا تنشج‌آفرینی کردند و با آوردن سازمان‌های بین‌المللی و مسیرهای دیگری که انتخاب کرده بودند، سمت دولت‌سازی‌های نوین در منطقه حرکت کردند اما واقعیت این هست که این مسیر را خیلی طول دادند که این نشان دهنده این هست آمریکایی‌هایی که از اهداف اصلیشان در حمله به عراق و حضور در منطقه غرب آسیا چیزی نبوده جز اینکه هزینه‌های

آمریکایی‌ها یکی از اهداف اصلیشان در حمله به عراق و حضور در منطقه غرب آسیا چیزی نبوده جز اینکه هزینه‌های رقبای نو ظهوری همچون هند، چین و روسیه را افزایش دهند

و ناامنی در منطقه سردار سلیمانی دقیقا در مقابل راهبرد تنشج‌زایی آمریکا ایستاد. البته این راهبرد تنشج‌آفرینی آمریکا فقط در غرب آسیا هم نبوده بلکه در دریای جنوبی چین هم همین بازی را مجددا تکرار می‌کند و حتی روابط فرا اطلانتیکی که یکی از قدیمی‌ترین اتحادهای کشورهای غربی در دنیا هست و آن هم اتحاد بین اروپا و آمریکا بوده اما آن‌جا هم آمریکا در مورد بحث اتصال هر خط لوله انرژی از روسیه به اروپا بحث تحریم را مطرح می‌کند یعنی اینکه آمریکا پیرامون این قدرت‌ها کاملا ایجاد ناامنی می‌کند.

یا آمریکا باید با سیاست تنش‌زایی خود تکلیف قدرت‌های نو ظهور را یکسره کند و یا محور



سخنرانی آقای فکری

وارد می‌شود به سمتی حرکت بکنیم و بعد به محض اینکه احساس کردیم کمی فشارها کاهش پیدا یافته زود دوباره تغییر جهت بدهیم، این فایده ندارد و آن چیزی که باید اتفاق بیوفتد بازتعریف پایدار اطلس روابط خارجی کشور هست.

موضوع دومی که حائز اهمیت است بر مبنای قانون مقابله با اقدامات ماجراجویانه آمریکا که سال ۹۶ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید می‌باشد که در ماده ۲۱ این قانون مطرح می‌کند که باید این کشورهایی که به نوعی همسوبا ما محسوب می‌شوند به شرکای پایدار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شوند. ذیل این موضوع چیزی که باید به آن اولویت بدهیم بحث اتصال زیرساخت‌ها بین کشورهای عضو محور مقاومت می‌باشد که این زیرساخت‌ها هم در حوزه سخت افزاری باید مورد توجه قرار بگیرد و هم در حوزه نرم افزاری که بحث‌های پولی بانکی یکی از نقاط اصلی ضعف ما در حوزه محور مقاومت محسوب می‌گردد.

اقدام سومی که باید انجام بشود این است که باید تا جایی که ممکن هست برویم به سمت رفع اختلافاتی که اگر چه در حوزه اقتصادی و تجاری این شکل می‌گیرد اما ما باید تا آنجا که ممکن هست برویم به سمت رفع این اختلافات و اجازه ندهیم که یک چنین اختلافات اقتصادی و تجاری تبدیل بشود به نوعی عامل تنش بین کشورهای منطقه و محور مقاومت.

موضوع چهارم این است که باید مطمئن باشیم که طرف آمریکایی باز هم اقدامات ایضایی خودش را انجام خواهد داد و ما باید برویم به سمت اینکه تا جایی که ممکن هست مانع اجرای نقشه‌ها و اقدامات طرف آمریکایی بشویم. نهایتاً اقدام دیگر این هست که ما باید نگاهمان به ترتیبات و سازوکارهای بین‌المللی که در حوزه‌های مختلف می‌تواند روابط اقتصاد خارجی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر خواسته‌های آمریکا قرار بدهد واقعی بشود.

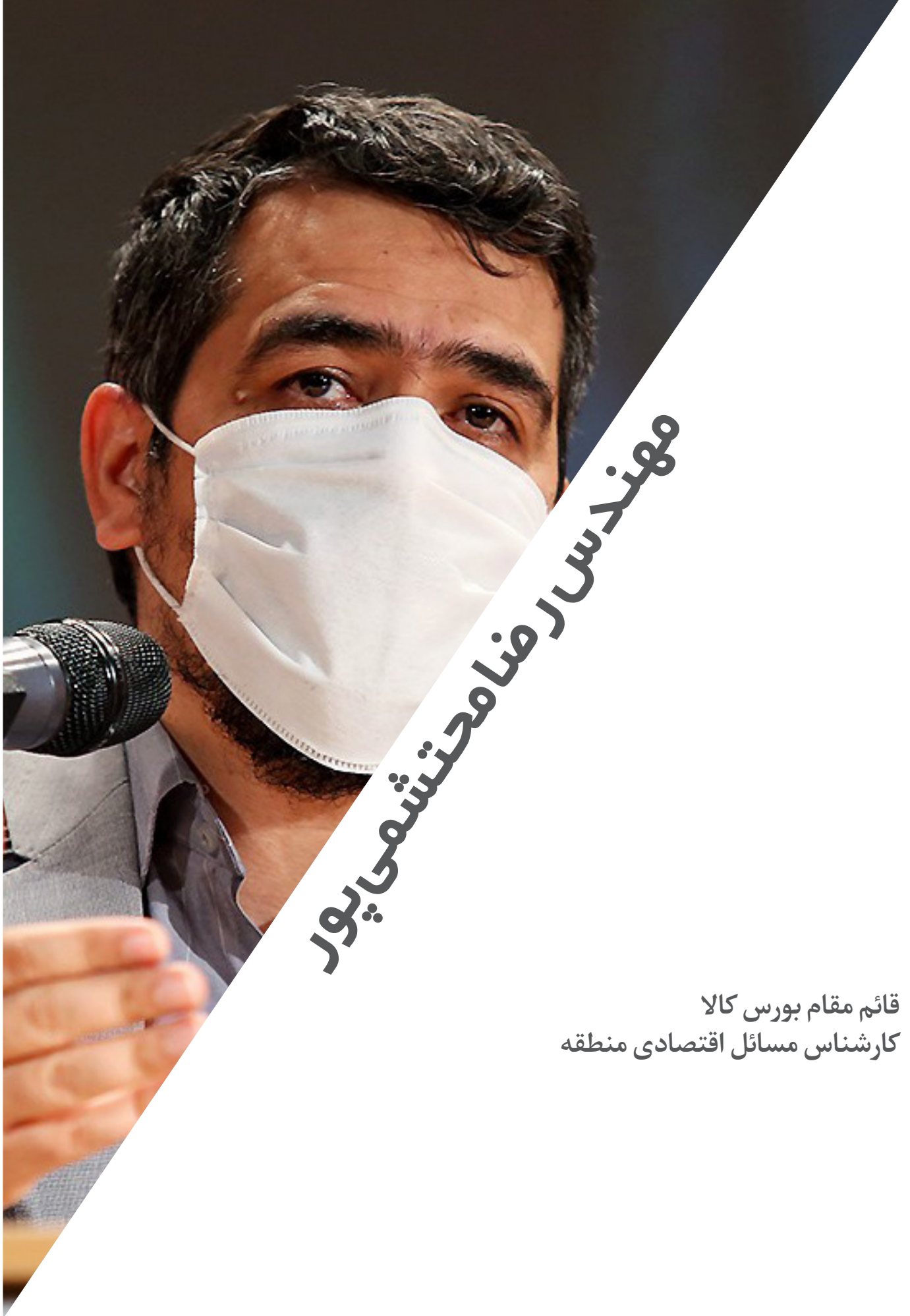
نیست چون موضوع تحریم آمریکا صرفاً ایران نیست و تحریم ایران یا این ناامنی‌هایی که آمریکا در منطقه می‌خواهد ایجاد کند در راهبرد کلان بازی ابرقدرت‌های جهانی جا گرفته است. در حوزه روابط اقتصاد خارجی هم ۵ تاراهکار را خدمتتان عرض می‌کنم. اولین کاری که ما باید بکنیم بازتعریف پایدار روابط خارجی کشور هست. ما باید این واقعیت را درک کنیم؛ همانطور که آمریکا هدفش و آینده اقتصادیش و جایگاهش در نظام هرم قدرت جهانی وابسته به تشنج آفرینی در این منطقه هست پس یک سری کشور های دیگر

تنها راه ایران برای توسعه این است که آمریکا از منطقه خارج شود و اگر این اتفاق نیافتد آمریکایی‌ها اجازه نخواهند داد کشورهای عضو محور مقاومت که مرکزیتشان با ایران هست بتوانند ظرفیت‌های اقتصادی خودشان را آزاد کنند و بتوانند به آن رشد و توسعه‌ای که حق این کشورها هست برسند

هستند که برعکس توسعه‌شان بستگی به این دارد که این منطقه آرامش بیشتری داشته باشد یا این منطقه در جهت توسعه اقتصادی حرکت بکند. ما هم باید این کار را انجام بدهیم یعنی اینکه کشور باید برود به سمت تعریف شرکای جدید خودش به صورت پایدار و اینکه صرفاً در یک دوره‌ای که یک فشارهایی بر ما

مقاومت با در دسرهایی که برای آمریکا ایجاد می‌کند این کشور را در دستیابی به اهداف خود ناکام بگذارد؛ تنها راه ایران برای توسعه این است که آمریکا از منطقه خارج شود و اگر این اتفاق نیفتد آمریکایی‌ها اجازه نخواهند داد کشورهای عضو محور مقاومت که مرکزیتشان با ایران هست بتوانند ظرفیت‌های اقتصادی خودشان را آزاد کنند و بتوانند به آن رشد و توسعه‌ای که حق این کشورها هست برسند. پس دلیل اینکه جمهوری اسلامی راهبرد اخراج آمریکا از منطقه را انتخاب کرده است صرفاً یک دلیل اعتقادی یا ایدئولوژیک یا سیاسی یا امنیتی نیست و واقعاً مبنای اقتصادی هم دارد. یعنی اگر ما چنین کاری را انجام ندهیم هزینه‌هایی که باید بدهیم خیلی بیش از این هزینه‌هایی است که برای شکل‌گیری محور مقاومت و اخراج کردن کشوری که راهبرد کلانش این است که ما عقب مانده باقی بمانیم، باید بدهیم.

چگونه ما می‌خواهیم به کمک ابزارهای اقتصادی این راهبرد کلان را در حوزه سیاست خارجی و برنامه‌های سیاست خارجی مان اجرا کنیم؟ بحث اخراج آمریکا از منطقه ابعاد مختلف امنیتی، فرهنگی اجتماعی، نظامی و ... دارد که یک بعدش هم بعد اقتصادی هست. در این بعد اقتصادی یک سری کارها همانطور که رهبر انقلاب فرمودند باید در حوزه اقتصاد داخلی انجام دهیم مثل اینکه ما نقاط آسیب‌پذیر خودمان در اقتصاد را ترمیم کنیم. مثل اینکه در زمینه تحریم بسیار بیشتر از اینکه به سمت حذف تحریم برویم باید برویم به سمت خنثی‌سازی زمینه‌های تحریمی. حذف تحریم‌ها تقریباً در کوتاه مدت ممکن



# مهندس ارضا محتشمی پور

قائم مقام بورس کالا  
کارشناس مسائل اقتصادی منطقه



## سخنرانی مهندس محتشمی پور

استفاده می‌نماید. دلیل حضور آمریکا در عراق اقتصادی نبوده، عراق با اینکه یک کشور صاحب منابع بزرگ نفتی هست اما حضور آمریکا در این کشور را نباید هیچوقت از منظر اقتصادی و مالی تحلیل کنیم و آمریکا اهداف مهم دیگری را در این کشور دنبال می‌کند. ما پرونده امنیتی عراق را حل کردیم، ولی هنوز نتوانستیم پرونده اقتصادی این کشور را حل کنیم. ما در دوره حمله داعش به عراق با یک اقبال ویژه و یک سرمایه اجتماعی بالا در بین ملت عراق مواجه بودیم اما امروز متأسفانه اصلاً چنین ظرفیتی نیست. در این مدت چه اتفاقاتی افتاده و ما چه کردیم که اوضاع به این شکل درآمده است؟ ادعای ما این بوده است که در چندین سال پیش ما پرونده امنیتی عراق را به نتیجه رساندیم که این ادعا، ادعای درستی هم هست اما هیچوقت ما این پرونده را از امنیتی به اقتصادی تبدیل نکردیم هیچوقت از امنیتی به اجتماعی تبدیل نکردیم. این گونه است که سروکله جوکرها در این کشور پیدا شده و ما اقدام متناسب را انجام نمی‌دهیم. همین مسئله را در سوریه هم می‌توان دنبال کرد. در سوریه در گام اول دولت آمریکا تمام توانش را گذاشت برای اینکه بتواند حاکمیت را از هم بپاشاند که این امر محقق نشد و حالا سعی می‌کند به حداقل‌ها اکتفا بکند. یعنی سعی می‌کند این کشور را در حالت نه جنگ نه صلح نگاه دارد و از طرف دیگر سعی می‌کند که دست روی منابع مالی بگذارد و از این طریق مداخله‌های بین‌المللی در سوریه هنوز توجیه پیدا می‌کند.

آمریکا در چینش دولت‌ها در منطقه نقش بسیار دقیق، حساب شده و پرنرنگی بازی می‌کند و دولت‌هایی که در این کشورها تشکیل می‌شوند باید حتماً با آمریکا هماهنگ باشند و اگر کشورها در مقطعی مطابق منافع آمریکا عمل نکردند اتفاقاتی را رقم می‌زنند که برای مثال ما در عراق می‌توانیم مشاهده کنیم که به راحتی

می‌باشد و بعد از آن از طریق کمک‌های بشر دوستانه که در واقع رساندن آن کشور یا منطقه به حداقل‌های نیازش هست، ورود می‌کند. که در اینجا معمولاً شرکایی را نیز با خودش همراه می‌کند که این شرکا عمدتاً سازمان‌های بین‌المللی هستند. یعنی در واقع با خرج دیگران وارد این بازی شده و شما می‌بینید که آمریکا در جایی که نیاز دارد با گرفتن مصوبه‌های مختلف از سازمان ملل می‌تواند اهدافش را دنبال کند و خودش در واقع در زیر چتر مصوبات

ما باید حضور آمریکا در منطقه را از زاویه ابزار همیشگی مداخله دولت ایالات متحده در مناطق مختلف مورد بررسی قرار دهیم. موضوعی که خودشان اصطلاحاً از آن به عنوان ملت سازی یا NATION BUILDING یاد می‌کنند. یعنی برای اینکه بتوانند به منافع خودشان برسند سعی می‌کنند نظم یک منطقه را از نو چیده و در چینش جدید سهمی و نقشی داشته باشند

سازمان ملل وارد این کشورها می‌شود. از این طریق هم به مداخلاتش مشروعیت داده و هم از همراهی و صرف هزینه دیگران

ما باید حضور آمریکا در منطقه را از زاویه ابزار همیشگی مداخله دولت ایالات متحده در مناطق مختلف مورد بررسی قرار دهیم. موضوعی که خودشان اصطلاحاً از آن به عنوان ملت سازی یا NATION BUILDING یاد می‌کنند. یعنی برای اینکه بتوانند به منافع خودشان برسند سعی می‌کنند نظم یک منطقه را از نو چیده و در چینش جدید سهمی و نقشی داشته باشند. این چیزی هست که ما در منطقه خودمان هم مشاهده می‌کنیم و آمریکایی‌ها قبلاً در قالب خاورمیانه جدید نقشه خودشان را برای نظم نوین منطقه بیان کرده بودند و در ۱۱ سپتامبر و مداخلات نظامی‌شان در کشورهای منطقه کلید خورد. البته این موضوع محدود به خاورمیانه نمی‌شود و ما شاهد حضور آمریکایی‌ها در منطقه آسیای میانه نیز هستیم که در آن منطقه هم هر چند بدون ابزار نظامی اهداف خودشان را دنبال می‌کنند. اولین اقدام آمریکا در عراق، سوریه و افغانستان از بین بردن حاکمیت این کشورها و در گام بعد چینش لایه به لایه حاکمیت در این کشورها بوده است. در واقع آمریکا به دنبال ملت سازی در منطقه است.

آمریکا در گام اول به زیرساخت‌های اولیه یک کشور که به طور خاص امنیت

مداخله حاکمیتی برای آمریکایی‌ها ممکن نشد اما دخالت‌هایی از بیرون کردند، همین اثر را در عراق هم می‌شود دنبال کرد و حتی در ایران خودمان نیز فکت‌های خیلی دقیق از مداخلات آمریکایی‌ها در روندهای سیاست‌گذاری پولی مالی خودمان می‌توانیم بعنوان شاهد مثال بیاوریم. محور بعدی نیز بحث لجستیک هست بحث لجستیک برای آمریکایی‌ها همیشه یک محور و یک جبهه فعالیت بوده است.

سیاست‌های آمریکا در حوزه امنیت انرژی اوراسیا دقیقاً جلوگیری از شکل‌گیری شبکه تبادلات انرژی منطقه‌ای خصوصاً برای ایران هست. بعداً در بحث‌هایی مثل راه، مثل جاده و حتی پروژه‌هایی که چین در منطقه دنبال می‌کند مثل جاده ابریشم و بحث خطوط ریلی منطقه، شما دوباره همین موضوع را می‌بینید یعنی مداخلاتی که آمریکایی‌ها برای بهم زدن نقشه لجستیک این منطقه می‌کنند. این را حتی در درگیری‌های نظامی‌شان مثل اتفاقاتی که در سوریه افتاده و استقرار نیروهای آمریکا در تنف و اینکه اولین قراردادی که بعد از آزادسازی منطقه غربی عراق آمریکایی‌ها می‌بندند قرارداد تامین امنیت جاده بغداد امان هست و بازگشایی مرز طریپیل مشاهده می‌کنید که دقیقاً مداخله خیلی حساب‌شده‌ای در موضوع لجستیک و کوری‌دورهای انتقال کالا می‌باشد. آمریکایی‌ها همچنین در سمت ایران نیز مداخلاتی در گمرک کردند و مشکلاتی را در موضع گمرکی ایجاد کردند. همچنین آمریکایی‌ها امروز در هر مورد تمديد معافیت‌های عراق شروطي می‌گذارند که وقتی شروط را می‌بینیم یکی از عناصر مهمش شکل دهی کوری‌دور شمالی جنوبی و حذف کوری‌دور شرقی غربی در عراق هست. آمریکا به دنبال تقویت کوری‌دور شمال جنوب در عراق و تضعیف کوری‌دور شرق به غرب است و اگر این اتفاق بیفتد محور مقاومت با مشکل مواجه خواهد شد.

داعش که خودش یک قصه بزرگ هست و مثال‌های دیگر از ایجاد ناامنی در منطقه به وسیله این پایگاه‌های آمریکایی. خب این مسئله‌ی مهمی هست اما آیا ما با اخراج نظامی آمریکا به نقطه مطلوب می‌رسیم؟

ما پرونده امنیتی عراق را حل کردیم، ولی هنوز نتوانستیم پرونده اقتصادی این کشور را حل کنیم. ما در دوره حمله داعش به عراق با یک اقبال ویژه و یک سرمایه اجتماعی بالا در بین ملت عراق مواجه بودیم اما امروز متأسفانه اصلاً چنین ظرفیتی نیست. در این مدت چه اتفاقاتی افتاده و ما چه کردیم که اوضاع به این شکل درآمده است؟

واقعیت این است که اثر انگشت و ردپای آمریکا در لایه به لایه قانون‌گذاری کشور عراق وجود دارد. شما فقط یک بررسی بفرمایید مقررات و قوانینی که در دوره پل برمر در عراق و در مجلس قانون‌گذاری این کشور به تصویب رسیده و امروز جزء قوانین عراق هستند و اینکه کارکرد این قوانین چیست و چرا عراقی‌ها صندوق توسعه عراق را وقتی که در فدرال بانک آمریکا ایجاد می‌کنند؟ حتی در یک مقطعی طبق مقررات بنا شد مالکیت این صندوق به عراقی‌ها برگردد اما عراقی‌ها می‌گویند ادامه بدهید این شرایط را و بعد قبول می‌کنند که این صندوق تحت نظر آمریکا بماند.

حضور آمریکایی‌ها در منطقه در حوزه اقتصاد را می‌توانیم در دو نقطه خیلی پررنگ‌تر ببینیم. یک در زیرساخت‌های پولی مالی منطقه حضور آمریکایی‌ها و مداخلات آمریکایی‌ها و قاعده‌گذاری‌های آمریکایی‌ها به شدت موثر بوده است و تا الان شما ردپای عملکرد نهاد‌های مالی آمریکا در لبنان را می‌بینید، همین اثر را در سوریه مشاهده می‌کنید که البته در سوریه

حاکمیت‌ها از هم پاشید و این کشورها با بحران‌های جدید مواجه می‌شوند تا به آن نظم و چینش مطلوب آمریکا برسیم. وقتی که این اتفاق افتاد حالا وارد لایه بعدی می‌شویم یعنی وارد بحث حاکمیت که شدیم حالا می‌رسیم به گام بعدی که مثلاً بحث ایجاد یک ساختار اقتصادی جدید هست. برای مثال در عراق آمریکا آن قدر حاکمیت‌سازی را دنبال می‌کند تا شرایط موردنظر این کشور به وجود بیاید و در کنار آن اجازه داده نمی‌شود که این کشور به ثبات و تثبیت اقتصادی برسد خصوصاً با ابزارهایی که عمدتاً در حوزه امور مالی برای آمریکا وجود دارد. ما در حوزه پولی و مالی به ندرت توانسته‌ایم طرح‌های جدی را در کشورهای منطقه دنبال کنیم؛ البته این اجازه نیز به ما داده نشده است. به عنوان مثال توافق‌نامه خوبی بین بانک مرکزی ایران و عراق در سال ۲۰۱۷ بسته شده، ولی هیچ بندی از آن اجرایی نشد و این در حالی است که با فاصله خیلی کوتاه از آن تاریخ فعالیت‌های آمریکا در حوزه نظام‌سازی پولی و مالی در عراق سرعت می‌گیرد. بورس عراق را که نگاه می‌کنیم، بانک مرکزی عراق را که می‌بینیم، زیرساخت‌های بانکداری الکترونیک را می‌بینیم که با سرعت شکل می‌گیرند و همه‌شان فرم آمریکایی دارند. جایی که استارت‌آداری بانکداری الکترونیک در عراق را می‌زند شرکتی هست که با پلتفرم و مدیریت آمریکایی دارد این حوزه را در عراق توسعه می‌دهد.

ما در بحث اخراج آمریکا از عراق باید به این نکته توجه کنیم که امروز آیا با حذف پایگاه عین‌الاسد آمریکا از منطقه خارج می‌شود؟ چون یک نگاه این هست که می‌گویند اخراج آمریکا از منطقه اخراج نظامی هست، من فکر می‌کنم این حرف غلطی نیست یعنی بالاخره ما از لحاظ نظامی هم باید منطقه‌مان را امن کنیم و تا وقتی آمریکایی‌ها در این منطقه باشند ما نمی‌توانیم امنیت را برقرار کنیم و مصداق‌های زیادی هم داریم از مداخله صریح آمریکایی‌ها مثل قصه

# آقای غلامرضا انصاری

معاون سابق و مشاور وزیر امور خارجه در امور دیپلماسی اقتصادی

و این حاکی از توان و تصمیم بسیار قاطع نظامی در ایران هست.

انقلاب اسلامی در حوزه فرهنگی اعتماد به نفس را به ملت‌های منطقه بازگرداند به گونه‌ای که باعث شد افغان‌ها ناتورا از پای درآوند و پیروزی‌های حزب الله لبنان نیز متأثر از این قضیه بوده است. آمریکایی‌ها رسماً اعلام کردند که تغییرات سیاسی در سوریه ایجاد خواهند کرد اما همه شاهد بودیم و دنیا شاهد بود که آن‌ها در سوریه شکست خوردند و این نمایشگر قدرت ملت‌های منطقه بعد از انقلاب اسلامی هست و این موفقیت‌های فرهنگی و نظامی و باورهای مردم در منطقه دستاوردهای بزرگی هستند که آمریکا را به چالش کشیده است.

امروز بزرگترین نیاز در کشورهای مقاومت بازسازی اقتصادی و تجاری است و اگر ایران بخواهد نیاز کشورهای منطقه به آمریکا را کم کند باید به عنوان یک الگوی پیشتاز کارهای بزرگی را انجام دهد و تحولات جدی در ساختار اقتصادی خود به وجود بیاورد. تحریم‌ها از این جهت کمک بزرگی بود به اینکه ایران متوجه بشود که با ساختار اقتصادی قبل از انقلاب و ادامه آن در بعد از انقلاب نمی‌شود این انقلاب و این حرکت بزرگ رو ادامه داد و ما نیاز به اصلاحات اساسی در حوزه اقتصادی داریم. پس از سال‌های طولانی تحریم ما باید امسال را به عنوان سال پیروزی بر تحریم‌ها جشن بگیریم. ما باید تلاش کنیم تا تحریم‌ها برداشته شود، اما همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند برداشتن تحریم‌ها دست ما نیست، ولی خنثی کردن تحریم‌ها دست ماست و این هم با اصلاحات در ساختار بانکی، ساختار بیمه، اصلاحات گمرکی، کم کردن دخالت دولت در اقتصاد و واگذاری اقتصاد به مردم صورت می‌گیرد.

باید عوامل ایجاد سوءتفاهم بین خود و کشورهای منطقه را به حداقل برسانیم و در عمل اثبات کنیم که ایران بیشترین نفع را از ثبات و بیشترین ضرر را از ناامنی در منطقه

محور مقاومت برای کم کردن حضور آمریکا باید سازوکارهای گسترده‌ای را رقم بزنند. باید در برنامه هفتم توسعه در راستای اخراج آمریکا از منطقه برنامه‌های راهبردی طراحی شود. ایران مرکز تفکر اخراج آمریکا از منطقه است با این وجود باید در این مرکز تحول دیدگاهی در حوزه اقتصاد با ایجاد ساختارهای اقتصادی جدید صورت بگیرد و این ساختارها عملیاتی شود.

وقتی صحبت از نفوذ آمریکا می‌شود شاهد یک نفوذ بسیار محتوایی هستیم و در واقع نفوذ در ساختارها و سازوکارهای تصمیم‌گیری و حیاتی کشورهاست

دستاوردهای نظامی ایران با وجود تحریم‌ها، فشارها و جنگ تحمیلی یک شاهکار نظامی است. امروز هیچ کس جرات حمله نظامی به ایران را ندارد به گونه‌ای که تمام کسانی که گفتند گزینه نظامی روی میز آن‌هاست خودشان اولین کسانی بودند که می‌دانستند بلوف می‌زنند. شاید برای ما که در بطن این انقلاب هستیم و شاهد موشک‌باران پایگاه آمریکا در عراق توسط جمهوری اسلامی ایران بودیم این کار ساده‌ای به نظر بیاید اما

کم کردن نفوذ آمریکا فقط از بین بردن حضور فیزیکی این کشور اعم از یک یا چندین پایگاه نظامی نیست و کشورهای منطقه به خصوص محور مقاومت برای کم کردن حضور آمریکا باید سازوکارهای گسترده‌ای را رقم بزنند

شمادر تاریخ نظامی آمریکا به عنوان پر قدرت ترین کشور نظامی جهان با فاصله بسیار زیاد نمی‌توانید پیدا بکنید که یک کشوری اعلام می‌کند و پایگاه نظامی آمریکا را با ده‌ها موشک هدف قرار می‌دهد این استثناست

وقتی صحبت از نفوذ آمریکا می‌شود شاهد یک نفوذ بسیار محتوایی هستیم و در واقع نفوذ در ساختارها و سازوکارهای تصمیم‌گیری و حیاتی کشورهاست. آمریکا بعد از کشف نفت و ترک منطقه توسط انگلیسی‌ها، نفوذ گسترده‌تری در خاورمیانه پیدا کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی تضعیف نفوذ آمریکا در منطقه آغاز شد در واقع انقلاب اسلامی با پایین کشیدن قدرت شاه هیمنه آمریکا را زیر سوال برد. امروز آمریکا در منطقه در ذلت به سر می‌برد به گونه‌ای که می‌بینیم این کشور مجبور می‌شود در مقابل طالبان بنشیند و توافق نامه صلح امضا کند. همچنین آمریکا پس از جنگ و کشتار فراوان در ویتنام از این کشور خارج شد و امروز نیز در منطقه غرب آسیا بی حیثیت شده و در حال خروج می‌باشد.

اگر آمریکا از جنبه هزینه و فایده به حضور خود در منطقه نگاه کند قطعاً طولانی شدن این حضور هزینه‌های سنگینی برای این کشور رقم خواهد زد. این وضعیت در افغانستان، عراق، سوریه، لبنان، یمن و در اکثر کشورهایی که ائتلاف بسیار قوی از آمریکایی‌ها برای سلطه بر این کشورها حضور داشتند، وضعیت آمریکایی‌ها در بدترین شرایط خودش هست و به ویژه در دوران ترامپ این به اوج رسید. شاید قبول مسئولیت ترور سردار شهید سلیمانی از نظر مایک نامایش قدرت بود اما واقعیت این است که حضيض ذلت بود که یک رییس جمهور آمریکا مسئولیت ترور را می‌پذیرد، مسئولیت ترور سیاسی شخصی که مهمان رسمی یک کشور بود و هیچ ابزارآلات جنگی با خودش برای مقابله با کسی نداشت، می‌پذیرد. این اوج ذلت کشوری هست که جزو بنیانگذاران سازمان ملل متحد برای صلح و دوستی و عدم تشنج بین کشورها است.

آیا خروج فیزیکی آمریکا پایان داستان خروج این کشور خواهد بود؟ کم کردن نفوذ آمریکا فقط از بین بردن حضور فیزیکی این کشور اعم از یک یا چندین پایگاه نظامی نیست و کشورهای منطقه به خصوص



## سخنرانی آقای انصاری

نماییم. شاید تعجب کنید که مگر برای صادرات هم الان مانع هست؟ کشوری که امروز میخواهد نفت را جایگزین کند متأسفانه بیشترین مشکلات صادرات را دارد. مقام معظم رهبری فرموده اند امسال رونق و جهش تولید و متأسفانه موانع تولید بی‌نهایت هست موانعی که خودمان ساز و کارش را درست می‌کنیم و از همه مهم‌تر فرهنگ‌سازی در کشور هست. وقتی شما می‌خواهید صادرات را توسعه بدهید وقتی و اصلاح ساختار اقتصادی بکنید شما نمی‌توانید بدون فرهنگ‌سازی این اصلاح را محقق کنید.

اگر ما انتظار اخراج آمریکا از منطقه را توسط کشورهای مقاومت داریم باید اصلاح ساختارهای خودمان و کمک به زیرساخت‌های همه این کشورهای محور مقاومت در دستور کارمان باشد. امروز این کشورها به زیر ساخت نیاز دارند برای مثال شما سوریه را ببینید چه وضعیتی دارد؟ سوریه برای بازگشت به ده سال پیش خودش شاید به بیش از 300 میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد. همینطور عراق واقعا همه زیرساخت‌هایش از بین رفته است یا یمن و لبنان. همه این کشورهای محور مقاومت به توسعه اقتصادی نیاز دارند و ایران به عنوان مرکز این تفکر میتواند راهبرد توسعه اقتصادی منطقه خاورمیانه را در دستور کارش قرار دهد.

داشته باشیم. ما باید کاری کنیم که سرمایه گذار ایرانی در عراق سرمایه گذاری نموده و به ایران صادر کند.

یقینا صادرات چند میلیارد دلاری ایران به عراق و صادرات چند میلیون دلاری این کشور به ایران پایدار نخواهد ماند. روابط تجاری ما با همسایه‌ها باید اعتماد بخش باشد به طوری که ما در آنجا سرمایه گذاری کنیم آنها در اینجا سرمایه گذاری کنند. برای مثال هیچوقت با تمام اختلافاتی که بین تایوان و چین هست این دو تا بهم درگیر نمی‌شوند و بین این دو منطقه جنگی صورت نخواهد گرفت چون صدها میلیارد سرمایه گذاری چین در تایوان هست و صدها میلیارد سرمایه گذاری تایوان در چین. پس ما هم باید همه همسایه‌هایمان چنین رابطه‌ای را برقرار کنیم.

ما نباید انتظار داشته باشیم که تنها کشورهای دیگر در ایران سرمایه گذاری کنند ما نیز باید سرمایه گذاری کنیم هم چنین باید در برنامه هفتم توسعه در نگاه به روابط خارجی رفع موانع صادرات مورد توجه قرار بگیرد، چون امروز بی‌نهایت موانع صادراتی در کشور وجود دارد و البته ما خود این موانع را ایجاد می‌کنیم.

این ارتباطات ایران را به منطقه متصل می‌کند و ایران را در منطقه اعتمادساز می‌کند و امیدوار هستیم که بتوانیم در برنامه هفتم توسعه نگاه به روابط تجاری خارجی را جدی‌تر کنیم. باید موانع صادرات را رفع

می‌برد و این باید شعار مادر سیاست خارجی باشد. امروز وقتی که صحبت از نیازهای منطقه می‌شود ما باید سعی کنیم که حتی به کشورهایی که به ما جفا کرده اند اثبات کنیم ایران تنها کشوری است که از ثبات در منطقه سود خواهد برد.

عراق کشوری است که در طول تاریخ گذشته خودش بیشترین ارتباطات فرهنگی را با ایران داشته است. عتبات در عراق یکی از امیدهای همواره تاریخ ایرانیان بوده بنابراین اگر ما بخواهیم این رفت و آمدها و این حضورها قوی‌تر بشود تنها راهمان این است که بتوانیم زیرساخت‌های اقتصادی قوی‌تری را با عراق برقرار بکنیم چرا که ما در حوزه‌های توسعه عراق موقعیت بسیار برتری داریم و برای رسیدن به هر کدام از شهرهای بزرگ عراق از ایران زمان کمی وقت لازم داریم در حالی که تمام کشورهای همسایه عراق برای این کار باید ساعت‌ها مسیر را طی کنند تا به مناطق توسعه یافته عراق برسند.

امروز ایران بیشترین درصد کمک به تامین برق و گاز و ساخت نیروگاه عراق را کرده است. در طی سال‌های گذشته ایران اول یا دومین طرف تجاری عراق بوده اما این تجارت باید به روابط اقتصادی پایدار ختم بشود. ما باید بتوانیم با کشورهای همسایه موافقت‌نامه‌های تجاری بسیار عمیق برای ثبات روابط تجاری خودمان با این کشورها و ثبات برنامه صنعتی خودمان با کشورها





# حجت الاسلام و المسلمین عرب

ریاست بنیاد نهضت سازمان تبلیغات اسلامی



## حجت الاسلام و المسلمین عرب

این اقدام یک اقدام متفاوت و غیر کلیشه‌ای در سالگرد شهید سلیمانی بود که امیدواریم شاهد امتداد آن پس از این باشیم؛ ضمن اینکه می‌بایست این جریان در برگزاری یک همایش محدود نشود. این اقدام از حیث مردمی سازی و ورود تخصصی متفاوت بود. رهبر معظم انقلاب در مهم‌ترین صحبت‌های خود، پس از شهادت شهید سلیمانی فرمودند: انتظار داریم در برابر حرکت‌های ده هزار نفره‌ی جبهه استکبار در عرصه‌های مختلف جنگ نرم و سرد، جبهه مردمی هم با حضور میلیونی به مقابله بپردازد. سیلی و انتقام سختی که مطرح می‌شود نیز مقابله نرم افزاری با آمریکا در جبهه‌های مختلف امنیتی، اقتصادی و فضای مجازی می‌باشد.

اراده‌ها و نیروهای مردمی تبدیل کنیم. این جنس اقدامات یک پیوند مبارک است برای نحوی از حضور نیروهای مردمی در مسائل لبه دار و نوک برنده مبارزات حاکمیتی. اتفاق مبارک دیگر این است که این حرکت در حال گره زدن مبارزه با استکبار به فضای نخبگانی و دانشگاهی ماست؛ اراده‌هایی که باید پیشران این حرکت باشند. انشاءالله این حرکت تبدیل بشود به آغازی برای یک رویداد بزرگ‌تر جهت هسته‌سازی و تیم‌سازی در فضاها و فضاها مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، مقابله سایبری و انواع و اقسام مقابله‌ها با پدیده منحوس رژیم آمریکا و تمدن غرب با بروز استکباری اش. انهم بیرونه بعیدا و نراه قریبا.

این اقدامی که برگزارکنندگان همایش صورت دادند در شکل دهی صورتی از حضور گروه‌های مردمی در این عرصه و مبارزه واقعی انقلاب اسلامی با جبهه استکبار موثر است و ای بسا حرف تازه انقلاب اسلامی برای حکمرانی همین حضور گروه‌های مردمی در عرصه باشد و محدود ندیدن انقلاب اسلامی به حکمرانان محدود. انقلاب اسلامی هم آمد تا این پدیده را از بین ببرد. نهادهای انقلابی از جمله سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، کمیته‌های انقلاب و در راس آن پدیده بسیج نمونه‌هایی ست از اینکه حرف متفاوت امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب این است. لذا می‌بایست ساحت حکمرانی را به ساحتی آماده برای حضور



# دکتر محمدجواد نیکروش

ریاست سازمان بسیج دانشجویی



دکتر محمدجواد نیکروش

و استکبار جهانی و هم چنین نابودی لکه ننگی به نام اسرائیل منجر شود. برگزاری چنین همایشی حاصل نبوغ نهال بسیج دانشجویی در تقابل نرم با استکبار جهانی است به هر روی امام خمینی (ره) با توجه به نقش نهاد علم در تقابل نرم با استکبار بنای تاسیس بسیج دانشجویی و طلبه را در این نهاد گذاشت و امروز بسیج دانشجویی با رویکرد مسئله محوری در پرداختن به مسائل داخلی و بین المللی به بلوغ رسیده است و با ایجاد هسته‌های مسئله محور در مسیر حل مشکلات کشور و منطقه گام برمی دارد به هر روی امیدواریم ادامه این مسیر به تقویت نقش آفرینی دانش بنیان بسیج دانشجویی منجر شود.

نیازمند اثبات کارآمدی ماست. اخراج آمریکا از منطقه سیلی جنایت این کشور در مقابل سید الشهدای مقاومت یعنی شهید قاسم سلیمانی و مقدمه‌ای برای غلبه نرم افزاری بر هیمنه پوشالی استکبار که مورد تاکید رهبر معظم انقلاب است خواهد بود.

منظور از خروج نظامی آمریکا شامل خروج فیزیکی این کشور از منطقه نخواهد بود بلکه ما باید نسبت به ابعاد نرم حضور آمریکا در منطقه که با سبک زندگی، لایه‌های دانشی و نحوه حکمرانی در منطقه گره خورده اقدام کنیم و این ظاهر ساده اخراج آمریکا از منطقه را پیچیده می‌کند. شروع اخراج آمریکا از منطقه به پاک شدن نظام سلطه

خدا را شاکریم که شاهد رویش چنین ظرفیت‌های تخصصی پای کار در انقلاب اسلامی در راستای عینیت بخشیدن به ظرفیت‌های انقلاب هستیم. تحقق تمدن نوین اسلامی الزاماتی دارد که یکی از این الزامات مقابله با هژمون آمریکا و تمدن غرب در میان ملت‌های مسلمان است؛ تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند حرکت پرشتاب جوانان مومن انقلابی برای از بین بردن موانع موجود در مسیر پیشرفت کشور است و ما در این مسیر تا نابودی ظلم هم مسیر با شهدا هستیم.

انقلاب اسلامی از مرحله نزاع نظری خارج شده و در چله دوم انقلاب در مرحله اثبات علی‌العرض است و این

# بازتاب رسانه‌ای همایش

دی ماه ۹۹

خبرگزاری فارس



<https://yun.ir/acfio6>

خبرگزاری ایلنا



<https://yun.ir/862114>

شبکه خبر



<https://yun.ir/qkh123>

خبرگزاری مهر



<https://yun.ir/lp2te1>

خبرگزاری تسنیم



<https://yun.ir/srel1b>

خبرگزاری صدا و سیما



<https://yun.ir/ubp2uf>

خبرگزاری دانشجو



<https://yun.ir/f4ys41>

خبرگزاری میزان

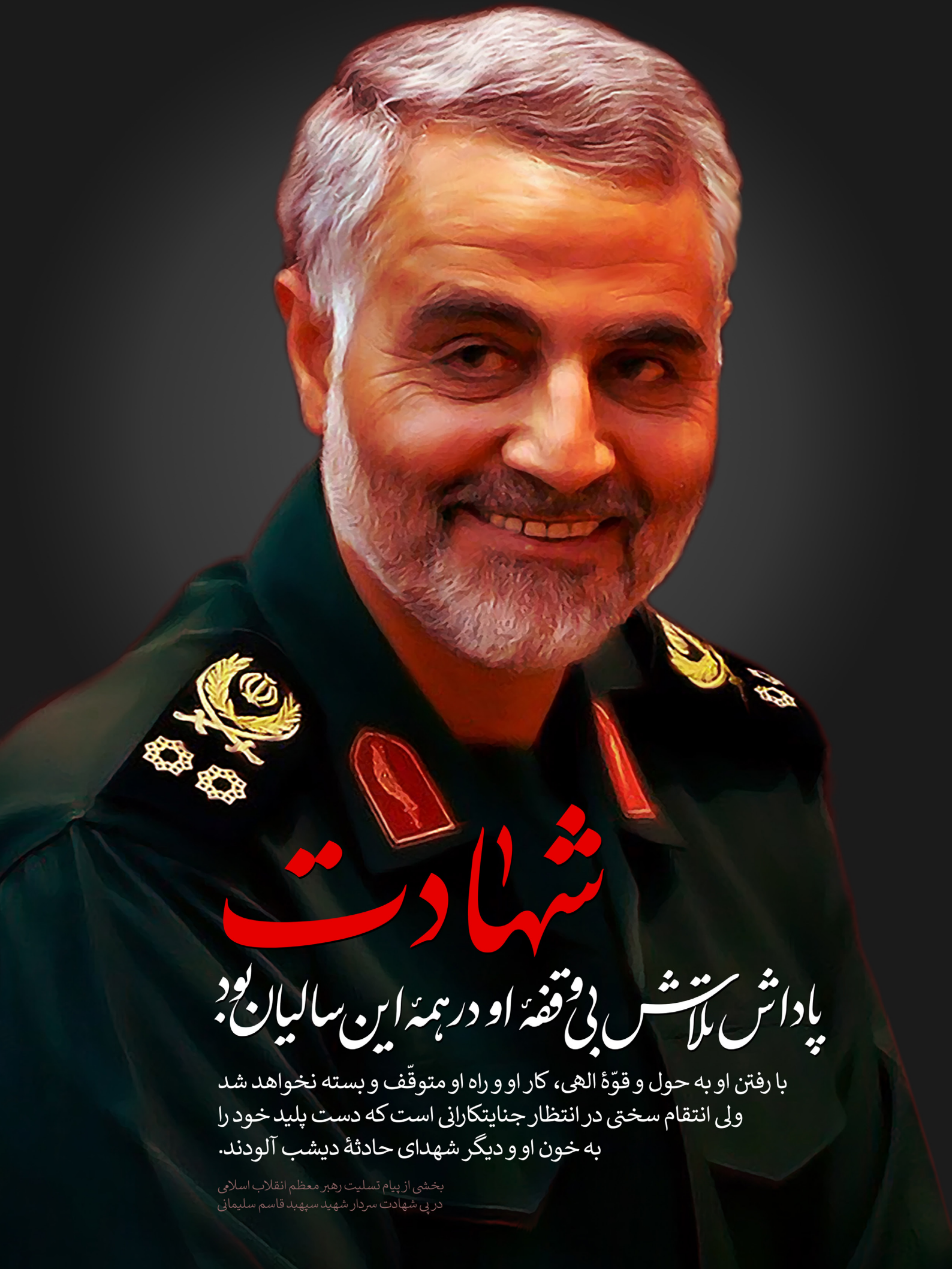


<https://yun.ir/dysf57>

حقوق

# گزارش تصویری





# شهادت

یاداش بلاش بی وقفه او در همه این سالیان بود

با رفتن او به حول و قوه الهی، کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد  
ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را  
به خون او و دیگر شهدای حادثه دیشب آلودند.

بخشی از پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی  
در پی شهادت سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی

بحث انتقام و مانند این حرفها، بحث دیگری است؛ حالا یک سیلی‌ای دیشب به این‌ها زده شد. آنچه در مقام مقابله مهم است - این کارهای نظامی به این شکل، کفایت آن قضیه را نمی‌کند - این است که بایستی حضور فسادبرانگیز آمریکا در این منطقه منتهی بشود؛ تمام بشود. آن‌ها در این منطقه جنگ آوردند، اختلاف آوردند، فتنه آوردند، ویرانی آوردند. البته هر جا در دنیا قدم گذاشتند، همین جور عمل کردند؛ فعلاً منطقه‌ی خودمان جلوی چشم ما است. اصرار هم دارند که همین فساد و همین ویرانگری را نسبت به ایران عزیز و جمهوری اسلامی هم داشته باشند؛ این مسئله‌ی مذاکره و نشستن پشت میز و مانند این‌ها، مقدماتی دخالت‌ها و حضورها است؛ این باید به پایان برسد. این منطقه قبول نمی‌کند حضور آمریکا را؛ ملت‌های منطقه قبول نمی‌کنند، دولت‌های برخاسته از ملت‌ها قبول نمی‌کنند؛ بدون تردید.

بیانات مقام معظم رهبری ۱۸ دی ۱۳۹۸

با تشکر از مدیریت محترم دانشگاه صنعتی امیرکبیر، سازمان بسیج دانشجویی و سازمان تبلیغات اسلامی که کمال همکاری را در برگزاری این برنامه مبذول داشتند



تماس با ما:

آدرس: خیابان انقلاب، تقاطع خیابان حافظ، کوچه البرزا، پلاک ۲۲، طبقه اول

کدپستی: ۱۵۹۱۶۳۴۷۶۴ شماره تماس: ۰۲۱-۶۴۵۴۵۱۹۵ ایمیل: [info@amtt.ir](mailto:info@amtt.ir)